



تاریخ نهضت و انقلاب اسلامی از ابتدا، مملو از صحنه‌های حضورزینبی بانوان و دختران ایران است

بانوان زینبی ایران اسلامی، پیشگامان تبیین عملی و مقاومت در پشت خطوط جنگ سخت هستند

به‌طوری‌که طاغوت‌های زمانه در خود یارای مقابله با این لشکرانبوه را نمی‌بینند

توجه به پرستاران، حفظ و ارتقای دانش، مهارت، توان، نشاط، انگیزه و کرامت پرستاران

تأثیرمهمی بر سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه دارد

رهبرانقلاب: نقش پرستاران در درمان بیماران، حضوری ممتد و صبورانه است

فرمان رهبر:جامعه پرستاری در اولویت توجه باشد

۷۹.۴ درصد مسافران به دلیل گرانی بلیت از سفر هوایی صرف‌نظر کرده‌اند

بلیت هواپیما چهار برابر قطار

بازی در پازل دشمن با اسم رمز «شلیک اشتباه در تنگه»

وقتی سازشکاران به دنبال تطهیر آمریکا هستند

تاملی بر نگرانی درباره پیچیدگی‌های زبان نسل جدید در گفت‌وگو با پژوهشگر تعلیم و تربیت

قرار نیست نوجوان را از زبان خودش دور کنیم

از کارزار سنگرها تا جغرافیای فرامرزی مقاومت با «ننه عصمت» جبهه مقاومت

معجزه میل‌های بافتنی

جعفر قادری در گفت‌وگو با «آگاه» مطرح کرد

بسته‌های بی‌نام؛ نسخه عبور از تنگنای مالی

کند. می‌توان از ظرفیت مشاوران، بخش خصوصی، شرکت‌های توسعه‌ای و حتی خود سرمایه‌گذاران برای آماده سازی پروژه ها استفاده کرد. مطالعات اولیه، شناسایی زمین، تهیه اسناد و سایر اقدامات مورد نیاز می‌تواند با مشارکت بخش غیردولتی انجام شود و هزینه‌های آن نیز در فرآیند واگذاری بسته سرمایه‌گذاری پیش‌بینی و تسویه شود.

■ **وزارت امور اقتصادی و دارایی برای تبدیل این فرصت‌ها به بسته‌های قابل عرضه چه مسئولیتی دارد؟**

وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز باید به وظیفه خود برای ایجاد بستر معرفی و صدور استگین مالی به بودجه، منابع بخش خصوصی را به سمت این سازوکار آن است که فرصت سرمایه‌گذاری به یک محصول قابل عرضه تبدیل شود، محصولی که مشخصات، زمین، مجوزها، مطالعات اولیه، مشوق‌ها، میزان سرمایه مورد نیازو نرخ بازده آن برای سرمایه‌گذار روشن باشد.

■ **عملیاتی شدن این بسته‌ها چه تاثیری بر تامین مالی پروژه‌ها، اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد داشت؟**

در شرایطی که دولت با محدودیت شدید منابع مواجه است، بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام می‌تواند بدون تحمیل بار سنگین مالی به بودجه، منابع بخش خصوصی را به سمت تولید و زیرساخت هدایت کند، برای جوانان اشتغال ایجاد کند، درآمد و ارزش افزوده به وجود آورد و حتی مسیر ورود سرمایه خارجی را هموار سازد، این ابزار، به‌ویژه در شرایط نبرد اقتصادی و تحریمی، یک ظرفیت راهبردی است. وقتی دشمن تلاش می‌کند مسیر دسترسی کشور به منابع مالی را محدود کند، پاسخ ما نباید صرفا مدیریت کمبودها باشد، بلکه باید متنشروشود، ادامه روش‌های گذشته در شرایط قابل قبول نیست. اگر دولت سازوکارهای جدید برای فعال کردن منابع موجود در داخل و خارج اقتصاد ایجاد کنیم، بسته سرمایه‌گذاری بدون نام دقیقا یکی از همین سازوکارهاست؛ ابزاری برای تبدیل «فرصت» به «پروژه قابل سرمایه‌گذاری» و تبدیل «سرمایه سرگردان» به «سرمایه مولد».

■ **برای عبور از مرحله ابلاغ قانون و رسیدن به اجرای عملیاتی آن، چه اقداماتی باید در دستور کار وزارت اقتصاد و دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد؟**

وزارت اقتصاد باید از مرحله ابلاغ بخشنامه عبور کند و وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها را پای کار بیاورد. لازم است برای هر دستگاه، تعداد مشخصی بسته سرمایه‌گذاری تعریف، زمان‌بندی اجرا تعیین، عملکرد مدیران ارزیابی و نتایج آن به‌صورت شفاف منتشرشود. ادامه روش‌های گذشته در شرایط جدید قابل قبول نیست. اگر دولت منابع کافی برای اجرای همه پروژه‌ها ندارد، باید از سرمایه مردم و بخش خصوصی استفاده کند و اگر سرمایه‌گذار برای ورود به پروژه‌ها مردد است، دولت باید پروژه را برای او آماده و مسیر سرمایه‌گذاری را کوتاه و شفاف کند. بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام، یک تشریفات اداری نیست، یکی از ابزارهای عبور از تنگنای مالی، مقابله با رکود، ایجاد اشتغال و خنثی سازی آثار تحریم‌هاست. اکنون زمان آن است که وزارت اقتصاد و دستگاه‌های اجرایی به‌جای توجیه، دست به کار شوند و این ظرفیت قانونی را از روی کاغذ به میدان واقعی اقتصاد منتقل کنند.

از مهم‌ترین راه‌های برون رفت، فعال کردن ظرفیت سرمایه‌های داخلی و خارجی و هدایت آنها به سمت تولید و طرح‌های زیربنایی است. قانون «تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها» دقیقا با همین نگاه، ابزار مهمی به نام «بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام» را پیش‌بینی کرده است؛ ابزاری که متأسفانه هنوز ظرفیت آن به‌درستی درک و عملیاتی نشده است.

■ **قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها چه تکالیفی را برای دستگاه‌های اجرایی در زمینه تهیه و عرضه این بسته‌ها مشخص کرده است؟**

بر اساس مواد ۲۶ و ۲۷ این قانون، دستگاه‌های اجرایی و استانداری‌ها مکلف شده‌اند فرصت‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری، مجوزهای بدون نام، مشوق‌ها و تسهیلات قابل ارائه را شناسایی و در قالب بسته‌های مشخص به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی معرفی کنند. این بسته‌ها باید به‌گونه‌ای آماده شوند که سرمایه‌گذار، به‌جای مواجه شدن با مجموعه‌ای از دستگاه‌ها، استعلام‌ها، مجوزها و ابهامات، با یک فرصت سرمایه‌گذاری آماده و شفاف مواجه باشد. فلسفه این حکم



قانونی روشن است؛ دولت نباید سرمایه‌گذار را برای پیدا کردن فرصت، گرفتن مجوز، تامین زمین و انجام مطالعات، از این دستگاه به آن دستگاه سرگردان کند، بلکه دستگاه اجرایی باید پروژه‌را آماده و سرمایه‌گذار را وارد میدان کند.

■ **با وجود گذشت بیش از دو سال از تصویب قانون، چرا اجرای این تکلیف با جدیت لازم دنبال نشده است؟**

متأسفانه بسیاری از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی هنوز در تعریف، طراحی و ارائه بسته سرمایه‌گذاری بدون نام دچار سردرگمی هستند و برخی نیز کمبود اعتبار برای مطالعات، تامین زمین یا تهیه اسناد را بهانه عدم اقدام قرار می‌دهند. درحالی که این استدلال با فلسفه قانون سازگار نیست.

■ **آیا آماده‌سازی پروژه‌ها برای عرضه به سرمایه‌گذاران الزاما باید از محل منابع عمومی انجام شود؟**

قرار نیست دولت تمام هزینه‌های آماده‌سازی پروژه را از منابع محدود خود پرداخت

ورود سرمایه به بخش تولید و زیرساخت، یکی از ضرورت‌های اقتصاد ایران در شرایطی است که محدودیت منابع دولت، تورم رکودی، کاهش قدرت کاهش موانع اداری و آماده‌سازی فرصت‌های سرمایه‌گذاری هموار کند. یکی از طرح‌های توسعه‌ای را با دشواری مواجه کرده است. در چنین شرایطی، اتکا به منابع محدود بودجه‌ای برای پیشبرد همه پروژه‌ها امکان‌پذیر نیست و استفاده از ظرفیت سرمایه‌های داخلی و خارجی، به‌ویژه منابع بخش خصوصی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها با پیش‌بینی ابزارهایی برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاران، تلاش کرده است مسیر تامین مالی طرح‌های اقتصادی را از طریق کاهش موانع اداری و آماده‌سازی فرصت‌های سرمایه‌گذاری هموار کند. یکی از ابزارهای مهم این قانون، بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام است؛ سازوکاری که بر اساس آن، دستگاه‌های اجرایی و استانداری‌ها باید فرصت‌های سرمایه‌گذاری را شناسایی کنند و با فراهم کردن مقدمات لازم، آنها را در قالب بسته‌هایی مشخص و قابل عرضه به سرمایه‌گذاران ارائه دهند. با وجود گذشت بیش از دو سال از تصویب این قانون، به نظر می‌رسد ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده برای این بسته‌ها هنوز به مرحله بهره‌برداری کامل نرسیده است. در حالی که بخشی از دستگاه‌های اجرایی، کمبود منابع مالی برای انجام مطالعات اولیه، تامین زمین و آماده‌سازی اسناد پروژه‌ها را از موانع اجرای این تکلیف می‌دانند. این پرسش مطرح است که آیا دولت برای فعال سازی سرمایه‌های مردمی و خصوصی باید تمام هزینه‌های اولیه را از بودجه عمومی تامین کند یا می‌توان مشارکت بخش غیردولتی، مسیر آماده سازی و واگذاری پروژه‌ها را هموار ساخت؟ از سوی دیگر، تبدیل یک فرصت اقتصادی به بسته‌ای شفاف و قابل سرمایه‌گذاری، مستلزم مشخص بودن اطلاعاتی مانند زمین، مجوزها، مطالعات اولیه، مشوق‌ها، میزان سرمایه مورد نیاز و نرخ بازده است؛ اطلاعاتی که می‌تواند ابهام سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و مانع سرگردانی متقاضیان میان دستگاه‌های مختلف شود. دراین میان، وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه‌های اجرایی چه مسئولیتی در عملیاتی کردن این ظرفیت قانونی دارند و چگونه می‌توان از طریق تعیین اهداف کمی، زمان‌بندی اجرا و ارزیابی عملکرد مدیران، اجرای قانون را از مرحله ابلاغ و مکانیه به نتیجه‌ای ملموس در اقتصاد رساند؟ جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با تأکید بر ضرورت استفاده از بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام، معتقد است این ابزار می‌تواند ضمن کاهش فشار بر منابع عمومی، زمینه هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به سمت تولید و زیرساخت، ایجاد اشتغال و مقابله با آثار تحریم‌ها را فراهم کند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ **بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام چه جایگاهی در تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها دارند و چرا استفاده از این ابزار در شرایط فعلی اقتصاد کشور اهمیت دارد؟**

در شرایطی که اقتصاد کشور با تورم رکودی، محدودیت منابع دولت، کاهش قدرت سرمایه‌گذاری و فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی مواجه است، یکی

تلاش پرستاران را ببینیم و حواس‌مان به امیدشان باشد



امیر اسماعیلی سردبیر

پرستاران قلب تپنده نظام سلامت‌اند. آنها نزدیک‌ترین افراد به بیمار در شرایط مختلف هستند، شبانه‌روز در کنار او می‌مانند، مراقبت‌های حیاتی را انجام می‌دهند و در بحران‌ها از بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا گرفته تا شرایط جنگی، پیشگام و جلودار خدمت‌رسانی می‌شوند. لحظاتی مراکز درمانی و بیمارستان‌ها را بدون حضور موثر پرستاران تصور کنید، کیفیت درمان افت می‌کند، ایمنی بیماران تهدید می‌شود و کل زنجیره مراقبت از هم می‌پاشد. با این حال، وضعیت شغلی این گروه مهم و حیاتی در کشورمان سال‌هاست که با چالش‌های ساختاری روبه‌رو است. کمبود شدید نیرویکی از اصلی‌ترین مشکلات است. بر اساس اعلام مسئولان سازمان نظام پرستاری، کشور کمبود نیروی پرستار در کشور از ده‌ها هزار نفر فراتر است و نسبت پرستار به تخت بیمارستانی در بسیاری از مراکز به کمتر از حد تصاب رسیده، در حالی که استانداردهای مطلوب بالاتر است. در برخی بخش‌ها یک پرستار مسئول مراقبت از ۱۲ تا ۱۴ بیمار می‌شود؛ وضعیتی که هم فرسودگی جسمی و روانی را تشدید می‌کند و هم احتمال خطا را بالا می‌برد.

حقوق و مزایا نیز با حجم کار و مسئولیت‌ها تناسب ندارد. اضافه‌کاری‌های طولانی که گاهی به ۸۰ ساعت در ماه می‌رسد و در بسیاری موارد جنبه اجباری پیدا کرده با نرخ‌هایی پرداخت می‌شود که در برابر تورم و هزینه‌های زندگی ناچیز به نظر می‌رسد. بسیاری از پرستاران مجبورند چند شیفت کار کنند تا هزینه‌های زندگی را تامین کنند. نتیجه این فشارها، افزایش ترک خدمت، استعفا، خانه‌نشینی و مهاجرت است. سالانه هزاران تن از چرخه خدمت خارج می‌شوند؛ درحالی‌که تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان پرستاری نیز به دلیل شرایط نامناسب، تمایلی به ورود به بازار کار این حرفه نشان نمی‌دهند.

این وضعیت تنها به خود پرستاران آسیب نمی‌رساند. وقتی نیروی کافی وجود نداشته باشد، کیفیت خدمات کاهش می‌یابد و در نهایت بیماران و خانواده‌های‌شان هزینه آن را می‌پردازند. پرستاری شغلی است که نیازمند دانش، مهارت، تحمل فشارهای عاطفی و حضور مداوم است. نادیده گرفتن مطالبات صنفی این گروه از بهبود حقوق و مزایای واقعی گرفته تا کاهش اضافه‌کاری‌های اجباری، تامین نیروی کافی و ایجاد امنیت شغلی به معنای تضعیف کل نظام سلامت است.

رسیدگی به وضعیت شغلی پرستاران دیگر یک مطالبه صنفی صرف نیست؛ یک ضرورت ملی برای حفظ سلامت جامعه است. افزایش جذب و نگهداشت نیرو، اصلاح ساختار پرداخت‌ها متناسب با تورم و سختی کار، کاهش نسبت بیمار به پرستار، حمایت از سلامت روان و مشارکت دادن پرستاران در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با حوزه خود، گام‌های ضروری‌اند. تجلیل‌های مناسبتی وقتی معنا پیدا می‌کند که پشت آن اقدام عملی برای بهبود شرایط واقعی کار باشد. پرستاران سال‌هاست که با فداکاری خدمت می‌کنند. اکنون نوبت نظام سلامت و سیاست‌گذاران است که با جدیت به وضعیت آنها رسیدگی کنند تا این ستون اصلی فرو نریزد و آنها در امنیت شغلی کامل و امیدوار به تلاشی که مشغول آن هستند، بتوانند در آبادانی و رشد کشور سهم خود را ایفا کنند. پرستاران از زمان جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق تا همین جنگ‌های تحمیلی اخیر بارها رشادت و ایستادگی خود را نشان دادند و حالا نوبت تصمیم‌های برای بهبود وضعیت امید و معاش آنها است.



رئیس جمهور با حضور در کنفرانس محیط زیستی با سران کشورهای منطقه دیدار و گفت وگو کرد رویکرد جدید ایران در قفقاز

مسعود پزشکیان روز گذشته به منظور شرکت و سخنرانی در کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی، به ارمنستان رفت. خبرگزاری آرمن پرس در گزارشی با «رئیس جمهور ایران برای اجلاس رهبران» (COP۱۷) وارد ایروان شد، از ورود پزشکیان به پایتخت ارمنستان در صبح جمعه خبر داد. رسانه ارمنی پانوراما پیش از سفر پزشکیان گزارش داده بود، او علاوه بر شرکت در اجلاس تنوع زیستی سازمان ملل، با شماری از رهبران کشورهای حاضر در ایروان نیز گفت وگو خواهد کرد. رئیس جمهور کشورمان در دیدار با نخست وزیر ارمنستان با تاکید بر لزوم تدوین برنامه راهبردی و بلندمدت بین دو کشور در حوزه های معدنی، تجاری، اقتصادی، گردشگری و فرهنگی، تصریح کرد؛ تدوین برنامه استراتژیک و راهبردی بین دو کشور می تواند به تعمیق روابط دو کشور در بخش های مختلف منجر شود. او همچنین در دیدار نخست وزیر گرجستان با تاکید بر لزوم توسعه ارتباطات بین دو کشور تصریح کرد؛ به منظور توسعه ارتباطات بین دو کشور نیازمند چارچوب های روشن و شفاف در این حوزه هستیم.

مهم ترین برنامه پزشکیان به حضور و سخنرانی در اجلاس سران هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی اختصاص یافت. وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران از نخستین کشورهایی است که اهمیت حقوقی و بین المللی این موضوع را به رسمیت شناخته و به عضویت کنوانسیون تنوع زیستی درآمده است، گفت، اما رابطه ایران با تنوع زیستی، به تاریخ عضویت ما در یک کنوانسیون بین المللی محدود نمی شود. وی اظهار کرد؛ در کشور من، با تکیه بر فرهنگ دیرپای احترام به طبیعت و در راستای اهداف و تعهدات ملی جهانی، سند راهبرد ها و برنامه اقدام ملی تنوع زیستی تدوین و تصویب شده است. سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان هماهنگ کننده ملی تعیین شده و سازوکار مشارکت غیردولتی با اولویت جوامع محلی نیز به تصویب دولت رسیده است. حفاظت از گونه های در معرض تهدید و احیای جمعیت های آسیب پذیر از جمله افزایش مناطق حفاظت شده و پایش گونه های شاخص حیات وحش از اولویت های اساسی است.

رئیس جمهور با بیان اینکه جنگ تنها انسان ها و زیرساخت های اقتصادی را هدف قرار نمی دهد، جنگ به طبیعت نیز آسیب می زند؛ جنگل ها را می سوزاند؛ تالاب ها را تخریب می کند؛ خاک را آلوده می سازد؛ منابع آب را تهدید می کند؛ ریسنگاه ها را از میان می برد؛ گونه های جانوری را آواره می کند و مواد شیمیایی و فلزات سنگین را وارد چرخه های طبیعی می کند، افزود؛ آثار جنگ بر محیط زیست می تواند تا سال ها پس از پایان مخاصمات ماندگار باشد.



پزشکیان تاکید کرد؛ در منطقه ما و از جمله در ایران، آثار زیست محیطی دیگری های نظامی باید با جدیت بیشتری مورد توجه جامعه جهانی قرار گیرد. جنگ تجاوزکارانه ای که ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه ما به راه انداخته اند، با آسیب به تاسیسات صنعتی و انرژی، آتش سوزی ها، انتشار آلاینده ها، آلودگی خاک و آب، موجب تهدید اکوسیستم های طبیعی و از بین رفتن زیرساخت های حفاظتی شده است که طی سال ها تلاش برای حفاظت از تنوع زیستی فراهم شده است. وی گفت؛ این امر تنها مسئله ای داخلی یا محدود به مرزهای سیاسی یک کشور نیست. طبیعت، مرز سیاسی نمی شناسد؛ گسترش آلودگی های آب، خاک و هوای نزدیک در پشت مرزها متوقف نمی شود. از این رو، آسیب های ناشی از جنگ نیز، مسائلی با ماهیت جهانی هستند و به راه حل های بین المللی نیاز دارند. آثار جنگ بر اکوسیستم ها ممکن است سال ها و حتی نسل ها باقی بماند و تا کیلومترها فراتر از تحت تاثیر قرار دهد.

رئیس جمهور اضافه کرد؛ یک شاهد مثال، حجم نابودی های رقم خورده در غره مظلوم است که به گواه کارشناسان، بخش هایی از خاک آن تا صدها سال آینده، نمی تواند میرزان حیات و چرخه های اکولوژیک طبیعی و گیاهی باشد. آنچه در منطقه ما به واسطه جنگ های تجاوزکارانه اتفاق افتاده، «اکوساید یا تسلی کشی زیست محیطی» است که باید محکوم شود. پزشکیان با بیان اینکه جامعه بین المللی باید بیذبرد کشورهایی که تحت تحریم های اقتصادی هستند یا در معرض تجاوزات نظامی قرار گرفته اند، نباید به تنهایی هزینه های زیست محیطی تحریم ها یا جنگ هایی را که آغازگر آن نبوده اند، تحمل کنند. گفت، از این رو، از آژانس های سازمان ملل متحد، نهادهای مالی بین المللی و سازمان ها و نهادهای ذی ربط در حوزه محیط زیست و توسعه پایدار می خواهیم؛ سازوکارهای بسیع منابع مالی، ارزیابی خسارات زیست محیطی، احیای اکوسیستم های آسیب دیده و حمایت از کشورهای متأثر برای مقابله با پیامدهای زیست محیطی دیگری های مسلحانه را تقویت کنند. وی اعلام کرد؛ «جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد، با در اختیار قرار دادن ظرفیت های علمی، دانشگاهی و تجربیات خود با دیگر کشورها، در این تلاش مشترک، به صورت سازنده با جامعه جهانی همکاری کند.»

سفر رئیس جمهور به ارمنستان، بخشی از دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی است. دولت چهاردهم همواره به تقویت روابط با همسایگان تاکید دارد تا از این طریق با همکاری هرچه بیشتر همسایگان و شرکای ایران، اثرات تحریم ها به حداقل برسد. یکی از اهداف بنیادین این تحرکات، توسعه بخش به مسیرهای تجاری و خلق «دریچه های تنفسی» جدید برای اقتصاد کشور است. در همین راستا، توسعه ارتباطات با ارمنستان به این معناست که کالاهای ایرانی مسیرهای کوتاه تر و متنوع تری را برای رسیدن به بازارهای اروپا و روسیه پیدا می کنند. از منظر دیگر، حضور فعال و اثرگذار ایران در ارمنستان، پیامی صریح به بازیگران منطقه ای و جهانی دارد. قفقاز همواره میدان رقابت قدرت های بزرگ بوده و هست. ایران با پیشبرد برنامه های استراتژیک در این منطقه، به دنبال آن است که مانع از تک محوری هر قدرت خارجی در این نقطه حساس شود. در واقع، ایران می خواهد جایگاه خود را به عنوان تسهیل کننده تثبیت کند، به گونه ای که هرگونه تغییر در معادلات قفقاز، بدون در نظر گرفتن منافع و اراده تهران، امکان پذیر نباشد.

در مجموع دولت و رئیس جمهور به دنبال تبدیل پتانسیل های روی کاغذ به واقعیت های اقتصادی است. ایران دیگر تنها به دنبال تفاهم نامه های نمادین نیست، به دنبال ایجاد پیوندهای اقتصادی استوار است که بتواند با بازارهای جدیدی در برای کالاهای ایرانی بگشاید؛ ایران با تکیه بر دیپلماسی همسایگی، در حال بازتعریف جایگاه خود در مسیرهای حیاتی شمال – جنوب و شرق – غرب است تا هم عزت ملی و هم منافع اقتصادی خود را به طور همزمان تأمین کند.

آیت‌الله خاتمی، خطیب نماز جمعه تهران:

ایران، خار چشم واستخوان درگلو ی آمریکااست

شنبه/ ۲۵ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۶۶۵



رهبر انقلاب: نقش پرستاران در درمان بیماران ، حضوری ممتد و صبورانه است

فرمان رهبر: جامعه پرستاری در اولویت توجه باشد

عملی و مقاومت در پشت خطوط جنگ سخت هستند، به طوری که طاقت های زمانه که همواره رنج و درد و سرکوب این ملت را می خوانند، در خود یارای مقابله با این لشکر انبوه را نمی بینند.

روز میلاد زینب کبری را مردمان سرزمینی که دل داده عترت طاهره صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بوده از سرملاحظه و چه مهربانی و همربانی با دردمندان و فدائیکاری ورزیدن نسبت به ایشان، به حق روز بزرگداشت مقام پرستار دانسته اند. چرا که بسیاری از این صفات اخلاقی و ارزش های انسانی در قشر زحمتکش و ارزشمند پرستار مشهود است. نقش پرستار همچون بعضی دیگر از اقشار از قبیل اطباء، معلمین و مربیان، روحانیون و امدادگران، نقشی احیاگرو امیدبخش است. از این رو به پرستار، گاه چون فرشته رحمت نگریسته می شود و آن، وقتی است که در برابر کج خلقی و بی تابی اشخاص دردمند و رنجور، موجبات آرامش و امید و بهبود و علاج بیماران و در نتیجه، نزول رحمت الهی را فراهم می سازد. البته نقش پرستاران در درمان بیماران برخلاف طبیبان، نیازمند حضوری ممتد، پیگیرانه و صبورانه است. تاثیر این قبیل حضور فراثر از امورات جسمی بوده و مرهم آلام روانی و روحی و مانع غلبه ناامیدی در بسیاری از موارد خواهد بود. این گونه است که آنچه از عهده طبیبان خارج است، با ایفاء این نقش دلسوزانه به انجام می رسد.

حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی، روز گذشته (جمعه) در پیامی به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار، نقش بانوان و دختران زینبی ایران اسلامی در دوران بعثت بی بدیل ملت ایران را شگفت آور خواندند و با اشاره به نقش احیاگرو امیدبخش پرستاران و تاثیرگذاری مهم آنان در سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه، مسئولان حوزه سلامت را به توجه ویژه به جامعه پرستاری توصیه کردند.

متن پیام مقام رهبر انقلاب به این شرح است،

بسم الله الرحمن الرحیم، پنجم جمادی الاولی در هر سال، یادآور میلاد مبارک بانویی است که در سایه محبت و تربیت و همواره مایه تمجید و تحسین و مباحات اولیاء الهی بوده است. اوج این درخشش در حماسه عاشورا رخ داد، از یک سو بذل بی منتهای شفقت و خیرخواهی و غمخواری صبورانه نسبت به مظلومان دشت کربلا و از سوی دیگر از ارجمندترین نمادهای صلابت و شجاعت بودن، تاریخ نهضت و انقلاب اسلامی ازابتدا، ملو از صحنه های حضور زینبی بانوان و دختران ایران است. این امر در دوره بعثت بی بدیل ملت که در دفاع مقدس سوم رقم خورد، کیفیت و کمیتی شگفت آور یافت. اینک بانوان زینبی ایران اسلامی، با حضور پررنگ خود در عرصه های مختلف به خصوص میدان دید در شهرها و روستاها، پیشگامان تبیین

گزارش «آگاه» از مواضع غلامحسین کرباسچی و حسین مرعشی درباره آمریکا و مذاکرات را بخوانید

تکنوکرات ها و تسلیم طلبان

تکنوکرات و تکنوکراسی دارای مفاهیمی در بعدهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. تکنوکرات در سطح کلان کسی است که فن، فن آوری و ماشین را در مدیریت به کار می گیرد. اطلاق واژه تکنوکرات در قرن اخیر که سلطه ماشین و فناوری بر انسان بیشتر شده است، معنا پیدا می کند.

تکنوکرات ها معتقدند، دنیا را نباید با شعارها، احساسات یا باورهای انتزاعی اداره کرد، باید آن را مانند یک ماشین عظیم و پیچیده دید که تنها با دانش فنی، تخصص و محاسبات ریاضی به درستی کار می کند. به عبارت دیگری تکنوکرات در فضای سیاسی کشور به جای اینکه بپرسد کدام راه درست تر است، می پرسد کدام راه بهینه تر و کم هزینه تر است؟ برای او، حقیقت رآمارها و نمودارهای رشد، نهفته است و هر چیزی که در این جدال جای نگیرد، از نظر او بی ارزش است. برای درک بهتر این مدل تفکر، می توان به پیشینه عملی غلامحسین کرباسچی نگریست. دوران حضور وی در شهرداری تهران، تجسم عینی تکنوکراسی در مدیریت شهری بود. در آن دوران، شهر نه به عنوان فضایی برای تعاملات اجتماعی یا نمادهای فرهنگی، به عنوان پروژه عظیم عمرانی و مالی دیده شد. رویکرد وی، تبدیل شهرداری به سازمان متمرکز با توان مدیریتی بالا بود که در آن سرعت در اجرا و بهینه سازی منابع مالی- حتی با روش های جسورانه، اولویت داشت. همین نگاه را می توان در حزب کارگزاران دید. تشکیل حزب کارگزاران سازندگی در دولت مرحوم هاشمی در واقع تلاشی بود برای تبدیل کردن سیاست به حرفه تخصصی؛ جایی که قرار بود نخبگان فنی و مدیران اجرایی، جایگزین چهره های سنتی شوند و کشور را با متدهای مدرن مدیریتی و با نگاهی به استانداردهای جهانی اداره کنند! برای تکنوکرات ها در حزب کارگزاران هدف نهایی، ایجاد سیستم کارآمد بود که در آن ثبات سیاسی، تنها ابزاری برای رسیدن به رفاه مادی ورشد اقتصادی تلقی می شد. به این مقدمه اشاره شد تا نقدی بر مواضع روزهای اخیر دو چهره تکنوکرات در سپهر سیاست ایران داشته باشیم.

غلامحسین کرباسچی، دبیرکل پیشین حزب کارگزاران اخیر در برنامه تلویزیونی «به وقت ایران» مواضعی اتخاذ کرد که بازتابی در رسانه های غربی و فارسی زبان داشت. او با بیان اینکه «هر روز کارشناس بیابرید و بگویند ما داریم پدر آمریکا را در می آوریم؛ اما واقعیت این است که ما نمی توانیم چنین کاری نکنیم. درست است که به آمریکا آسیب ده ایم، اما باید دید، دقیقا چه میزان خسارت به آنها وارد شده است»؛ گفت، آسیب هایی که ما به آمریکا وارد کرده ایم، با خسارت هایی که کشور و مردم خودمان متحمل شده اند، قابل مقایسه نیست. اساسا توان و ظرفیت ما با آمریکا قابل مقایسه نیست.

مدیرمسئول روزنامه توقیف شده هم همین به تفاهمنامه اسلام آباد هم اشاره و تصریح کرد: «هنوز این سوال وجود دارد که چه کسی این سه کشتی را هدف قرار داده است. درباره حمله به سه کشتی و نقش آن در نقض تفاهم نامه اسلام آباد بحث وجود دارد؛ اما باید میان دلیل نقض توافق و بهانه ای برای نقض آن تفاوت قائل شد.»

فقط کرباسچی تکنوکرات با مواضعش خبرساز شد؛ حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، نیز چند روز پیش خطاب به رئیس جمهور، رئیس مجلس، دبیر شورای عالی امنیت ملی و فرماندهان سپاه هشدار داد: «برای جلوگیری از جنگ احتمالی سوم، مطلقا حق ندارید هیچ ریسکی بپذیرید. هر عقب نشینی تاکتیکی که لازم باشد باید انجام شود تا ایران حفظ شود.» او مذاکره را خیانت ندانست و تاکید کرد که جنگ یا در میدان نظامی پایان می یابد یا در میدان دیپلماسی. با تکیه بر پیشینه تکنوکرات ها، وقتی نگاهی به اظهارات اخیر کرباسچی در صداوسیما می اندازیم، متوجه می شویم سخنان او در واقع تکرار همان منطق دوران شهرداری و حزب سابقش (کارگزاران) است و این بار در حوزه سیاست خارجی ادعاهایی را بیان کرد. از نظر او و هم حزبی های سابقش، تداوم تقابل با قدرتی که ابزارهای اقتصادی و نظامی گسترده ای در اختیار دارد، اشتباه است. به دلیل آنکه تکنوکرات ها معتقدند در نقطه تلاقی فشارها، باید به دنبال خروجی های سریع بود و از منظر آنان مذاکره و تفاهم و توافق «برده» تلقی می شود، برای تکنوکرات، تحریم تنها چالش مدیریتی هستند که باید با «معامله» حل شوند، همین ولاغیر!

ریشه های انفعال در مواضع تکنوکراتیک

اما پرسش این است: «چرا در شرایطی که موجی از واکنش های محکم و قاطع در برابر مواضع وزیر امور خارجه آمریکا شکل گرفت، تکنوکرات ها از موضع انفعال سخن می گویند؟» پاسخ در تفاوت نگاه آنها به قدرت نهفته است. برای یک تکنوکرات، قدرت در «دسترسی» و نه در ایستادگی تعریف می شود. آنها بر این باورند، قدرت واقعی زمانی حاصل می شود که کشور بتواند از طریق ابزارهای دیپلماتیک، محدودیت های فنی و اقتصادی خود را برطرف کند. کارگزارانی ها تکنوکرات ها واهم دارند، غلبه رویکردهای تقابلی، باعث ایجاد بن بست شود که در آن تمام فرصت های مدیریتی برای بهبود معیشت مردم از بین برود. لذا انفعال شان، در واقع عقب نشینی تاکتیکی است تا فضای برای مذاکره باز شود. آنها برای عقیده هستند در دنیای امروز، هیچ کشوری نمی تواند در انزوای کامل فنی و اقتصادی رشد کند و به همین دلیل، توافق را تنها راهبرد عقلانی برای بارگشت به چرخه پیشرف می پندارند. در حالی که آمریکا به دنبال آن است از باتلاق جنگ با ایران خارج شود، زیرا لزاعاط اقتصادی با چالش هایی روبه رو شده است.



در این باره **اسدالله بادامچیان**، رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در گفت وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» می گوید: در هیات حاکمه آمریکا این واقعیت آشکار شده است که جنگ افروزی ترامپ با وجود بدهی ۳۴ تریلیون دلاری هزینه بر است و در برابر وسعت، مقاومت و حضور مستمر ملت ایران، هیچ آمیدی به براندازی وجود ندارد. وی افزود، حضور بیش از هفت ماه ملت ایران در میدان شهرها یک پدیده است و جنگ ترامپ و رژیم صهیونیستی جز زیان و نفرت جهانی دستاوردی نداشته است. غرب براساس هزینه-فایده ناچار شده از هفت شرط ایران، پنج شرط را بپذیرد. در هیات حاکمه آمریکا نیز نیمی از افراد معتقدند باید ایران را تحت کنترل، زیرآ مقابله با ایران بی نتیجه است.



رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با بیان اینکه نیمی دیگر از هیات حاکمه آمریکا معتقدند ادامه جنگ فایده ای ندارد و با وجود کمبود مهمات آمریکا، ایران قدرت مندانه ایستاده است، بیان کرد: هدف امروز آمریکا خروج از جنگ است و درباره هسته ای هم می دانند ایران به دنبال سلاح نیست. بادامچیان افزود، ایران نیز به صلاح دید رهبر انقلاب به دنبال سلاح هسته ای نبوده در حالی که توانایی آن را دارد. وی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا تهدیدهای آمریکا جنگ روانی برای تغییر محاسبات ایران است یا ترکیب مذاکره و تهدید، گفت، آمریکا تلاش می کند تا حد امکان ایران را به امتیازدهی وادار کند تا نیرومندان از جنگ خارج شود. آمریکا دیگر فایده ای از جنگ با ایران نمی یابد، اما از سوی دیگر قدرتی یایی ایران را نیز بر نمی تابد و برای حفظ ظاهر ابرقدرتی خود به شعار، جرزخوانی، دروغ و جنگ روانی متوسل می شود.

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به اظهارات اولیه ترامپ مبنی بر نابودی ایران یادآور شد: «ترامپ فردی نامتعادل است که اکنون مواضع خود را به موضوع هسته ای تقلیل داده است. سیاستمداران، عمیق تر به پشت پرده این مسائل نگاه می کنند.»

در نهایت، وقتی رویکرد تکنوکرات ها را در کنار اجماع ملی ایرانیان قرار می دهیم، شکافی آشکار می شود. اکثر سلایق سیاسی در داخل و خارج کشور، با نگاهی به عزت ملی و تمدنی، یاوه گویی های وزیر خارجه آمریکا را محکوم کردند و نشان دادند، هر ایرانی فارغ از جایگاهش، در برابر تحقیر ملی ایستادگی می کند اما نگاه چهره های تکنوکرات، در مقابل ایستادگی و مقاومت مردم معیوث شده فارمی گیرد. روی هم رفته، مشکل بنیادین نگاه تکنوکرات ها به آمریکا در این است که آنها آمریکا را از بالا به پایین می بینند. این نگاه باعث می شود، آنها در مواجهه با دشمن، به جای تحلیل اراده ها و انگیزه های خصمانه، تنها به دنبال «بستن قراردادها» باشند. در صورتی که اتحاد ملت و خواص در برابر توهمین های وزیر خارجه آمریکا به خوبی بیداری جمعی را به نمایش گذاشت، پس تفسیر و بیشش تکنوکرات ها، نوعی انفعال سیستماتیک است که می خواهد اراده ملت را به اعداد و ارقامی ساده تقلیل دهد. نتیجه نهایی این تقابل حکایت از آن دارد، هرگونه مذاکره ای که برپایه نگاه تکنوکراتیک و بدون پشتوانه اراده ملی پیش برود، نه به توافق، بلکه به تحمیل شرایط منجر خواهد شد. آنچه امروز کشور را در برابر تهدیدات خارجی حفظ می کند، نه محاسبات فینسارلان، بلکه همین انسجام ملی است که به دشمن می فهماند ایران کشوری نیست که بتوان با فشار اقتصادی یا تهدیدات سیاسی، اراده تمدنی آن را شکست و توافق تحمیلی را در آنجا اعمال کرد!



عراقچی در خصوص کریدور موسوم به ترامپ: حضور آمریکا در منطقه پیرامونی، برای ما نگران‌کننده است



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی با یک رسانه ارمنستان در خصوص کریدور موسوم به TRIPP (مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی) در ارمنستان تاکید کرد که ایران نگرانی‌های خود را در این زمینه به ایروان منتقل کرده است. عراقچی در گفت‌وگو با آرم‌ن پرس در پاسخ به سوالی در خصوص حضور نیروهای آمریکایی و پروژه TRIPP (مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی) توضیح داد، درباره هرگونه حضور آمریکا در منطقه پیرامونی خود نگرانی و حساسیت داریم اما در خصوص این موضوع مستقیما با دوستان ارمنی خود در تماس هستیم و می‌دانیم که هیچ اقدامی علیه امنیت ایران انجام نخواهند داد. عراقچی تاکید کرد، ما به رایتی‌های خود با مقامات ارمنستان ادامه خواهیم داد. آراارات میزرویان، وزیر خارجه ارمنستان، دوست خوبم به تهران سفر کرد و رایتی‌های خوبی با یکدیگر داشتیم؛ رئیس‌جمهور یزشکیان نیز با نخست‌وزیر ارمنستان دیدار کرد.

معاون وزیر امور خارجه:

ایران برای هر سناریویی آماده است

سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه ایران گفت؛ بیشتر تلاش‌هایی که ایران از طریق مجاری دیپلماتیک و با همکاری میانجی‌ها انجام می‌دهد، با هدف پیشگیری از جنگ است. با این حال، ما برای سناریوهای گوناگون در صورت بروز یک رویارویی نظامی جدید با ایالات متحده آماده‌گی داریم. خطیب‌زاده در گفت‌وگو با شبکه خبری الجدید افزود که «در صورت وقوع حمله‌ای جدید علیه ایران، تهران موازنه قدرت موجود در منطقه را تغییر خواهد داد.» معاون وزیر امور خارجه ایران همچنین در خصوص وضعیت تنگه هرمز اعلام کرد واشنگتن از این تنگه به عنوان ابزاری در تقابل با تهران سوء استفاده می‌کند. پس از برطرف شدن تهدیدهای موجود، می‌توان وضعیت این آبراه دارای اهمیت راهبردی را سامان بخشید. وی تصریح کرد؛ تنگه هرمز همچنان یکی از حیاتی‌ترین مسیرها برای انتقال نفت و گاز طبیعی مایع به بازارهای جهانی است. تهدید آزادی کشتیرانی در این آبراه استراتژیک، در بصبوه جنگ آمریکا علیه ایران، خطرات مضاعفی را متوجه تجارت بین‌المللی و امنیت انرژی می‌کند. خطیب‌زاده درباره اوضاع اخیر تاکید کرد که حزب‌الله لبنان تصمیمات خود را به‌طور مستقل اتخاذ می‌کند، از جمله تصمیماتی که ممکن است به از سرگیری مقاومت جانانه علیه رژیم صهیونیستی منجر شود. تهران به حاکمیت لبنان احترام می‌گذارد و در امور داخلی این کشور دخالت نمی‌کند.

پاسخ بقای به وزیر خارجه رویاه پیر؛ تحركات انگلیس علیه ملت ایران، خصمانه است



اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنش به اظهارات اد میلیند، وزیر خارجه انگلیس که اقدامات دفاعی ایران را «تجاوز» نامیده است، در شبکه ایکس نوشت: آشوبی که منطقه ما را فرا گرفته است نتیجه مداخلات غیرقانونی است، از جمله مداخلاتی که انگلیس از آنها حمایت کرده یا در آنها نقش داشته است. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران افزود؛ اینکه وزیر خارجه انگلیس، ایران را «متجاوز» می‌نامد، در حالی که ظرف تنها ۹ ماه، دو نوبت آن هم در حین مذاکرات دیپلماتیک مورد تجاوز نظامی قرار گرفت، به منزله وارونه‌نمایی سیف و اقیعیت و عویش کردن واضح جای متجاوز و قربانی است. این موضع، نقطه عطف تازه‌ای در کارنامه طولانی تحرکات خصمانه انگلیس علیه ملت ایران به شمار می‌رود. بقایی تصریح کرد؛ این موضع انگلیس در قبال ایران مثل آن است که آلمان نازی را «مدافع صلح» بخوانند و انگلیس و متحده‌اش در جنگ جهانی دوم را «تجاوزگر» معرفی کنند.

بیانیه وزارت امور خارجه:

ایران گشایش سفارت کلمبیا در قدس اشغالی را محکوم کرد

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای اقدام دولت کلمبیا در گشایش سفارت این کشور در قدس اشغالی را به‌شدت محکوم کرد و آن را مغایر با منشور سازمان ملل متحد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دانست. آرمان امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اقدام دولت کلمبیا در گشایش سفارت این کشور در قدس اشغالی را به‌شدت محکوم می‌کند و آن را مغایر با منشور سازمان ملل متحد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل می‌داند. در بیانیه دستگاه دیپلماسی کشورمان آمده که قدس بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین فلسطین است و کلیه دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل موظفند از هرگونه اقدامی که به منزله شناسایی اشغالگری رژیم صهیونیستی باشد خودداری کنند. بدون تردید همسویی هیات حاکمه فعلی کلمبیا با رژیمی اشغالگر و نسل کش و مشروعیت بخشی به اشغال سرزمین فلسطین، با مبارزات مردم این کشور و آمریکای لاتین را شکل داده است. در تعارض آشکار قرار دارد. اقدام هیات حاکمه کلمبیا در گشایش سفارت این کشور در قدس اشغالی، خلاف تعهدات حقوقی بین‌المللی این کشور در خصوص احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها است و به منزله تأیید اشغالگری و نقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین است. دولت کلمبیا باید مسئولیت پیامدهای تصمیم غیراخلاقی و مغایر با حقوق بین‌الملل خود را بپذیرد.

حجت‌الاسلام اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه: تروریسم در برابر امنیت، مغلوب است

بازی درپازل دشمن با اسم رمز «شلیک اشتباه در تنگه»

وقتی سازشکاران به دنبال تطهیر آمریکا هستند



نیروهای آمریکایی با تمام یال و کپاشان بارها علیه مردم ایران جنایت کرده‌اند

حمله به کشتی‌های متخلف بعد از امضای تفاهم‌نامه، نه اقدام خودسرانه بوده و نه بدون هماهنگی با مسئولان بالاتر. این حمله قطعا پاسخ قاطع و دندان شکن به نقض عهد سوم آمریکا بود.

ستون پنجم و تقلا برای خلع سلاح ژئوپلیتیک ایران

اما فارغ از این مباحث، کسانی که نابخردانه و جاهلانه بر نیروهای مسلح کشور خرده می‌گیرند و آنان را به سبب اعمال اقتدار در تنگه هرمز، عامل برهم خوردن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد می‌پندارند و معرفی می‌کنند، حقیقتا درکی از مزیت‌های ژئوپلیتیک در یک جنگ وجودی با مستکبر متجاوز ندارند. تنگه هرمز و اعمال اقتدار و مدیریت و حاکمیت بر آن توسط ایران اسلامی، یک مزیت ژئوپلیتیک برای ایران در جنگ وجودی با آمریکا و رژیم صهیونیستی است. چگونه عده‌ای به خود اجازه می‌دهند که نسخه خلع سلاح ایران را در این عرصه تجویز کنند؟ تنگه هرمز برای ما به مثابه یک اهرم فشار بر آمریکا است؛ به واسطه انسداد همین تنگه است که در آمریکا بحران سوخت به‌وجود آمده و همین بحران، تار و پود حزب جمهوری‌خواه را به هم ریخته و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جانپنکار آمریکا را در آستانه انتخابات کنگره در ۱۲ آبان مستاصل کرده است. گزاره‌های فوق‌الذکر، نه شعار است و نه کلیشه؛ کافی است یک جست‌وجوی کوتاه در رسانه‌های بین‌المللی کنیم و بر صدق و درستی آن شهادت دهیم؛ و لودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور نگون بخت اوکراین و متحد همیشگی آمریکا، همین روز پیش وقتی ترامپ با روسیه توافق گازوئیلی را منعقد کرد، علنا خطاب به مردم دنیا گفت که جهانیان باید بدانند عامل بحران سوخت در جهان و مشخصا آمریکا، نه حملات اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه، بلکه مسدود شدن تنگه هرمز به‌وسيله ایران است.

بنابراین، کسانی که از سر غفلت راهبردی یا در راستای پازل دشمن، از تضعیف اهرم‌های اقتدار ایران در خلیج فارس سخن می‌گویند، عمق حماقت یا وابستگی خود را به نمایش می‌گذارند. تنگه هرمز خط قرمز امنیت ملی و حیات اقتصادی کشور است و هرگونه عقب‌نشینی در آن، دعوت از گرگ‌های حریص برای دریدن شریان‌های حیاتی ملت ایران است.

اینکه دشمنان قسم‌خورده نظام و کارچاق‌کن‌های داخلی‌شان امروز اثرات مهلک انسداد تنگه هرمز به ستوه آمده‌اند، بهترین گواه بر کارآمدی دکترین موازنه‌ساز جمهوری اسلامی ایران است؛ اعتراف صریح حلقه‌های پیرامونی کاخ سفید به اینکه اقتصاد ایالات متحده زیر فشار سنگین پالس‌های امنیتی خلیج فارس در آستانه فروپاشی انتخاباتی برضد حزب حاکم قرار گرفته، نشان می‌دهد چرا جریان سازش

اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران:

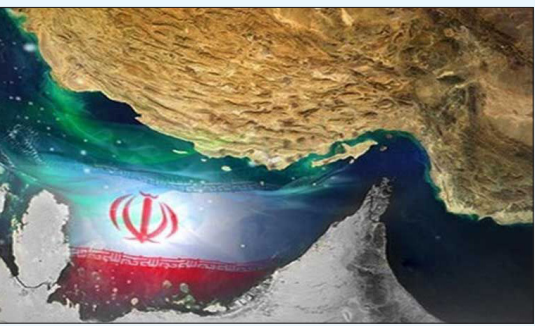
کنترل غرب تنگه هرمز با سپاه و شرق آن با ارتش است

سخنگوی ارتش با اشاره به وضعیت حضور نظامی آمریکا در منطقه اظهار کرد، رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کند که کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد و حتی نام خود را بر این تنگه گذاشته است. اما نیروهای نظامی این کشور جرأت نزدیک شدن به تنگه هرمز را ندارند. وی افزود، حضور مقتدرانه و اشراف اطلاعاتی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه موجب شده است که نیروهای آمریکایی جرأت نزدیک شدن به سواحل و محدوده تنگه هرمز را نداشته باشند. آمریکا عامل اصلی ناامنی تنگه هرمز و منطقه است.

اکرمی‌نیا در ادامه با اشاره به وضعیت امنیت دریایی در منطقه اظهار کرد؛ ناامنی‌هایی که امروز در تنگه هرمز شاهد آن هستیم و عمداً از منطقه شرق تنگه هرمز آغاز می‌شود و تا خود تنگه امتداد پیدا می‌کند، ناشی از دخالت‌های آمریکاست. وی افزود، پیش از آغاز این جنگ، منطقه از آرامش و ثبات برخوردار بود، اما آمریکایی‌ها با آغاز جنگ، اقدامات خصمانه و دخالت‌های خود، موجب ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه شدند. سخنگوی ارتش تاکید کرد؛ اقدامات آمریکا نه تنها امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده، بلکه ضربات قابل توجهی نیز به اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای منطقه وارد کرده است. وی تصریح کرد، همه کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای منطقه، باید بدانند که عامل اصلی بی‌ثباتی و ناامنی کنونی در این منطقه، ایالات متحده آمریکاست.

آمریکا باید از منطقه خارج شود

اکرمی‌نیا با تاکید بر ضرورت همکاری کشورهای منطقه برای تأمین امنیت جمعی اظهار کرد؛ کشورهای منطقه باید با همکاری یکدیگر و ایجاد سازوکاری مشترک، زمینه اخراج آمریکا از منطقه را فراهم کنند. وی افزود، معتقدیم تنها با پایان حضور و دخالت‌های آمریکا در منطقه است که می‌توان صلح، آرامش و ثبات پایدار را



سیاست
Politics

شنبه/ ۲۵ مهر ۱۴۰۵ شماره ۶۶۵

حجت‌الاسلام اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه: تروریسم در برابر امنیت، مغلوب است



این گزاره تبلیغی از ناحیه اصلاح‌طلبان به وضوح یک خلط و تحریف آشکار است. اولاً پیش از ۱۶ تیر نیزیعتی از ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد منعقد شد، آمریکا و مزدور منطقه‌ایش‌اش یعنی رژیم صهیونیستی، به وضوح بند یک تفاهم‌نامه مزبور را نقض کردند. در این بند تصریح شده بود که آمریکا باید جنگ را در سراسر جغرافیای مقاومت از جمله لبنان، پایان دهد اما از همان روز انعقاد تفاهم‌نامه، ماشین جنگی صهیونیست‌ها در جنوب لبنان فعال‌تر و کشنده‌تر شد. در ثانی، خود آمریکا نیز در حال نقض بند پنج تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بود؛ در این بند قید شده بود که تنگه هرمز، بعد از مدت زمان مشخصی با ترتیبات ایرانی باز خواهد شد؛ اما آمریکایی‌ها این بند را آشکارا نقض کردند و در روز ۱۶ تیر قصد کردند سه نفتکش را با اسکورت از تنگه هرمز عبور دهند؛ نیروی دریایی ایران نیز در واکنش به این اقدام، چند تیراخطار شلیک کرد؛ سپس آمریکایی‌ها، به سمت رزمندگان ما آتش گشودند و موجبات شهادت چند تن از سلحشوران نیروی دریایی ایران اسلامی را فراهم آوردند؛ در واکنش، رزمندگان ما نیز نفتکش‌های متخلف و اسکورت آمریکایی آنها را هدف قرار دادند. این تمام ماجرای بود که چند روز است عناصر معلوم‌العال سیاسی و عمدتاً وابسته به طیف اصلاح‌طلب در حال تحریف و وارونه‌نمایی و اصطلاحاً چابه‌جایی جلااد و شهید در آن هستند.

تنگه هرمز، پاشنه آشیل مستکبر و کابوس جریان سازش

بدون تردید، اینکه جریان‌های سیاسی خاص با وارونه‌سازی تقویم میدان و ستاد، تلاش می‌کنند ضربه‌گیر اقدامات خصمانه محور آمریکایی و صهیونیستی شوند و مسبب اصلی بحران در تنگه هرمز را تطهیر کنند، چیزی جز استمرار پروژه ستون پنجم در خط مقدم جنگ روانی نیست. تلاش دستاچاه برخی عناصر وامانده داخلی برای مقصر جلوه دادن جمهوری اسلامی در حادثه ۱۶ تیر، تکرار همان سناریوی کهنه تغییر جای جلااد و شهید است؛ سناریویی که این بار با هدف سرپوش گذاشتن بر عهدشکنی‌های مکرر واشنگتن در توافق اسلام‌آباد کلید خورده است. وقتی ماشین جنگی صهیونیست‌ها با چراغ سبز آمریکا مفاد صریح صلح منطقه‌ای را زیر پا می‌گذارند، سکوت معنادار مدعیان اصلاح‌طلبی و در عوض، گارد گرفتن علیه اقتدار دریایی سپاه و ارتش، پرده از پروژه‌ای تازه برای شکستن مقاومت از درون برمی‌دارد. تحریف آشکار حوادث تنگه هرمز توسط تئوری‌پردازان جریان سازش و غربگرا، نه از سر خطای تحلیل، بلکه هم‌آوایی با دشمنان و عنودان بیرونی است تا بلکه با بازشرودرغ بزرگ نقض توافق توسط ایران، شکست راهبردی آمریکا در تنگه هرمز را ماست‌مالی کنند.

حمله‌ای که خودسرانه نبود

یکی از تحریفات و وارونه‌نمایی‌ها در قبال حادثه ۱۶ تیر، بحث خودسرانه و آتش به اختیار بودن آن است؛ یعنی عناصر جریان سازش و غربگرا، اینچنین وانمود و القا می‌کنند که در یادان قوای مسلح ما خودسرانه اقدام به هدف قرار دادن نفتکش‌های متخلف و اسکورت آمریکایی آنها در روز ۱۶ تیر کردند و اینچنین تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را ملغی کردند.

اما سردار حسین مجبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این حربه و تحریف عناصر جریان سازش و غربگرا را خنثی کرد و ضمن رد خودسرانه بودن شلیک به نفتکش‌های متخلف صریحاً بیان کرد که این اقدام مدبرانه و مقتدرانه با هماهنگی سطوح کلان نظام انجام گرفته است. سردار حسین مجبی، سخنگوی سپاه، در همین راستا، طی مصاحبه‌ای گفت؛ حمله به کشتی‌های متخلف پاسخی به سومین نقض عهد آمریکا بود. آمریکا دو بار حین مذاکرات نقض عهد و حمله کرد و بار سوم بعد از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد دوباره نقض عهد کرد. وی افزود؛

امیرمحمد اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران درگفت‌وگویی با اشاره به اینکه پوشش پدافندی کشور تقویت شده، اظهار کرد؛ پوشش پدافندی کشور نسبت به روزهای جنگ و قبل از آن بسیار تقویت شده است؛ همچنین تجهیزات جدیدی را وارد سازمان رزم کرده ایم.

سخنگوی ارتش یادآور شد؛ قاطعانه می‌گویم که ما به توان پدافندی بالاتری نسبت به جنگ ۴۰ روزه رسیده ایم؛ همچنین ما در هفته‌های اخیر چندین فروند پهپاد آمریکایی را ساقط کرده ایم؛ طرح‌های جدید عملیاتی و تجهیزاتی نیز توسط نیروی پدافند ما ذیل قرارگاه پدافند تهیه و اجرا شده است. امیراکرمی‌نیا همچنین با اشاره به اینکه نقاط پدافندی تقویت شده تاکید کرد؛ عملیات‌های ترکیبی و ابتکاری تمرین شده و ما نسبت به روزهای قبل از جنگ، پوشش پدافندی را در سطح کشور بسیار تقویت کرده ایم.

فرار ناوهای آمریکایی

سخنگوی ارتش با اشاره به فرار ناوهای آمریکایی از منطقه عنوان کرد؛ کشتی‌های نظامی آمریکا به فواصل بیش از ۵۰۰ کیلومتر از سواحل خلیج فارس رهسپار شدند و با طرح‌های عملیاتی که در دست اجرا داریم در روزهای آینده مجبور به فرار به مناطق دورتر هم خواهند شد.

سخنگوی ارتش در ادامه با تشریح تقسیم ماموریت میان نیروهای دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اظهار کرد؛ تقسیم ماموریت میان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی دریایی سپاه پاسداران از گذشته وجود داشته و بر همین اساس، مسئولیت مناطق مختلف دریایی میان این دو نیرو تعیین شده است. وی افزود؛ از غرب تنگه هرمز تا خلیج فارس در کنترل راهبردی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارد و شرق تنگه هرمز، دریای عمان، دریای عرب و شمال اقیانوس هند نیز در حوزه ماموریتی و کنترل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است.

اکرمی‌نیا با تاکید بر گستردگی حوزه ماموریتی نیروی دریایی ارتش گفت؛ نیروی دریایی ارتش در این منطقه بسیار وسیع از اشراف کامل اطلاعاتی برخوردار است و اقدامات جدیدی نیز برای تقویت حضور و کنترل اطلاعاتی و عملیاتی خود انجام داده است. وی ادامه داد؛ نتایج این اقدامات را امروز در منطقه مشاهده می‌کنیم؛ به گونه‌ای که با وجود ادعاهای رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر کنترل تنگه هرمز، نیروهای آمریکایی جرأت نزدیک شدن به این تنگه را ندارند.

تاملی بر نگرانی درباره تفاوت و پیچیدگی‌های زبان نسل جدید در گفت‌وگو با مهسا قربانی، پژوهشگر تعلیم و تربیت (بخش نخست):

قرار نیست نوجوان را از زبان خودش دور کنیم

افزودن توانایی با تحقیرزبانی که نوجوان با آن زندگی می‌کند، متفاوت است

کنیم. قرار است کمک کنیم از امکانات زبانی بیشتری برای فهمیدن و بیان کردن جهان درونی‌اش استفاده کند.

■ **تسلط بر اصطلاحات خاص، مثل زبان گیمرها یا طرفداران انیمه، در محیط مدرسه و بین نوجوانان چقدر شبیه به «کارت ورود به جمع» عمل می‌کند؟ دانش‌آموزی که با این منظومه زبانی ناآشناست، با چه پیام‌هایی در مناسبات اجتماعی خود روبه‌رو می‌شود؟**

زبان همیشه فقط وسیله انتقال اطلاعات نیست، کاربردهای دیگری هم دارد. مثلا وسیله شناسایی یکدیگر و ساخت هویت جمعی است. وقتی دو نوجوان از یک بازی، انیمه، مجموعه داستانی یا میم مشترک حرف می‌زنند، ممکن است خیلی سریع احساس کنند که به یک جهان مشترک تعلق دارند. آنها فقط درباره یک موضوع حرف نمی‌زنند، به یکدیگر نشان می‌دهند که تجربه‌ها و ارجاعات مشترکی دارند. از این منظر، آشنایی با اصطلاحات یک گروه می‌تواند به شکل‌گیری دوستی، آغاز گفت‌وگو و احساس تعلق کمک کند. اما همین سازوکار می‌تواند روی دیگری هم داشته باشد. وقتی یک گروه از اصطلاحات خاص خود استفاده می‌کند و برای توضیح دادن آنها به تازه‌واردان یا ناآشنایان تلاش می‌کند، زبان مشترک می‌تواند به مرزی برای ورود تبدیل شود. نوجوانی که بازی یا انیمه محبوب گروه را نمی‌شناسد، ممکن است در گفت‌وگوها کمتر مشارکت کند، احساس کند چیزی را از دست داده است یا تصور کند برای پذیرفته شدن باید علایق و واژگان همان گروه را تقلید کند.

البته ناآشنایی با یک منظومه زبانی لزوما به معنای طرد شدن نیست. مسئله زمانی جدی می‌شود که گروه، آشنایی با این زبان را شرط ارزشمندی یا پذیرفته شدن بداند و تفاوت را بهانه‌ای برای تمسخر قرار دهد. به نظرم اینجا باید یک پرسش تربیتی جدی مطرح کنیم، ما در مدرسه چقدر برای شکل‌گیری جمع‌هایی که باز می‌تیم که در آنها تفاوت علایق پذیرفته شود؟ آیا نوجوان می‌تواند به بازی علاقه نداشته باشد، انیمه نبیند، از موسیقی متفاوتی لذت ببرد و همچنین عضوی محترم از جمع باشد؟

این پرسش برای مربیان مهم است. چون گاهی نشانه‌های تعلق و طرد شدن در موقعیت‌هایی ظاهری‌می‌شوند که از نگاه بزرگسالان چندان جدی به نظر نمی‌رسند. ممکن است ما گفت‌وگوی گروهی را دانش‌آموزان را فقط شوخی بدانیم، در حالی‌که دانش‌آموز دیگری بارها تجربه‌های ناخوشایندی داشته که نمی‌تواند وارد این جمع‌ها شود.

در چنین موقعیت‌هایی، راه‌حل لزوما ممنوع کردن اصطلاحات خاص نیست. اتفاقا نوجوانان باید امکان داشتن علایق و زبان جمعی مشترک خود را داشته باشند.

آنچه باید پرورش دهیم، توانایی استقلال از فرد ناآشناست، توضیح دادن، دعوت کردن به مشارکت، پذیرفتن تفاوت و ساختن نقطه‌های مشترک تازه. وظیفه مربی این نیست که همه نوجوانان شبیه هم شوند. این است که تفاوت‌های‌شان به دالیلی برای محروم شدن هیچ‌کس از تعلق و احترام تبدیل نشود.

آموزش باید به نوجوان کمک کند از واژه‌های فوری و آماده فراتر برود و برای تجربه‌های پیچیده‌تر خود زبان پیدا کند. گفت‌وگو درباره داستان‌ها، شخصیت‌های ادبی، موقعیت‌های اخلاقی و تجربه‌های واقعی می‌تواند در این مسیر موثر باشد

هیچ مانع و ایرادی ندارد که بروند زبان‌های دیگر را فرا بگیرند و در زیست‌بوم‌های مختلف از واژگان گوناگون استفاده کنند، اما نکته محوری این است که این نسل فقط از واژگان دیگران استفاده نمی‌کنند، بی‌آنکه در زبان بومی، محلی یا منطقه‌ای خود سکنا داشته باشند. آنها در زبان خود نیز در جایگاه رهگذار قرار دارند و برای رفع نیازهای بسیار ساده و روزمره از آن بهره‌برداری می‌کنند.

سکنا **نداشتن در زبان، پشتوانه اخلاقی شهروندان را تضعیف می‌کند**

این کشور زبان فارسی با هشدار نسبت به پیامدهای هویتی این گسست زبانی تصریح کرد؛ نقطه آسیب عمیق در اینجاست که این وضعیت، آنان را از تمام میراث فرهنگی خود جدا کرده و با فرهنگ خویش بیگانه می‌سازد. اتفاقی که رخ می‌دهد این است که این افراد به عناصر فرهنگی و شهروندانی بدل می‌شوند که

هیچ‌گونه تکیه‌گاه و پشتوانه‌ای در فرهنگ خود ندارند، در نتیجه، به جلوه‌گری و زینت داده شدن فرهنگ‌های دیگر، به سرعت جذب آنها شده و به فرهنگ اصیل خود پشت می‌کنند. او با پیوند زدن این مسئله به آسیب‌های بزرگ ملی و فردی افزود، یکی از دلایلی که جامعه با پدیده‌هایی نظیر خیانت یا جاسوسی مواجه می‌شود، این است که این قبیل افراد هیچ علقه و دلبستگی فرهنگی ندارند. دلایل

اساسی این فقدان علقه نیز آن است که چنین افرادی هیچ سکنایی در زبان و فرهنگ خود نداشته‌اند؛ چراکه اگر کسی این نشانه‌ها و پیوندها (توکن‌ها) را با زبان و فرهنگ خود حفظ کرده باشد، طبیعتا مرتکب بسیاری از این خطاها نمی‌شود. تمام آموزه‌های اخلاقی در دل فرهنگ ذخیره شده و از مسیر زبان به فرد منتقل می‌شود. صالحی در پایان سخنان خود تاکید کرد، انسانی که چنین پیوندی دارد، از نظر ساختار شناختی اصولا قادر به ارتکاب بسیاری از این کارها نیست؛ نه اینکه تنها آنها را برای خود مجاز نداند یا تابو تلقی کند، بلکه اصلا ساختار ذهنی‌اش پذیرای چنین خبط و خطاهایی نخواهد بود. بی‌تردید ما دامنه این بحث بسیار فراخ و گسترده است، اما فکر می‌کنم برای گام نخست و ورود به موضوع، پرداختن به همین نکات کفایت کند.



زبان نسل جدید، به‌ویژه در فضای مجازی، ابزارهای تازه‌ای برای انتقال احساس، شوخی، هم‌دلی، فاصله گرفتن و نشان دادن تعلق به یک جمع ایجاد کرده است. گاهی یک عبارت کوتاه، یک میم یا یک ارجاع مشترک می‌تواند تجربه‌ای را منتقل کند که توضیح آن برای اعضای یک گروه زمان‌برآیی می‌برد. این شکل از بیان را نباید لزوما سطحی یا بی‌معنا دانست. گاهی پشت آن، شناخت مشترک و تجربه‌ای جمعی قرار دارد که برای فرد بیرون از آن گروه قابل فهم نیست و این برای جمع نوجوان حس تعلق و معنا می‌سازد.

اما نکته مهم این است که توانایی نام‌گذاری یک احساس یا توانایی فهمیدن و پردازش آن احساس یکسان نیست. نوجوان ممکن است بتواند با یک عبارت رایج، ناراحتی یا کلافگی خود را نشان دهد، اما برای تشخیص اینکه دقیقا احساسش چیست، چه چیزی آن را ایجاد کرده و چه نیازی پشت آن قرار دارد، همچنان به فرصت و آموزش مهارت نیاز دارد.

برای مثال، وقتی نوجوان می‌گوید «حالم بده» یا از یک اصطلاح رایج برای توصیف یک موقعیت استفاده می‌کند، لازم نیست فوراً از او بخواهیم احساسش را با واژه‌هایی پیچیده و دقیق توضیح دهد. می‌توانیم به او کمک کنیم، اگر آمادگی دارد. میان ناراحتی، ناامیدی، خرمندگی، احساس طرد شدن، خشم یا حسنگی تمایز بگذار. نه برای اینکه زبان روزمره‌اش را اصلاح کنیم، بلکه برای اینکه امکان فهم تجربه خودش را بیشتر کنیم.

به لحاظ تربیتی، مهم است که به شکل بیان نوجوان نپسنده نکنیم و در عین حال، شکل بیان او را هم بی‌اعتبار نکنیم. اگر نوجوان با شوخی از موضوعی حرف می‌زند، نباید سریع نتیجه بگیریم که آن موضوع برایش جدی نیست. اگر با یک عبارت کوتاه احساسش را بیان می‌کند، نباید فرض کنیم که تجربه عاطفی او هم سطحی است. در عین حال، آموزش باید به نوجوان کمک‌کند از واژه‌های فوری و آماده فراتر برود و برای تجربه‌های پیچیده‌تر خود زبان پیدا کند. گفت‌وگو درباره داستان‌ها، شخصیت‌های ادبی، موقعیت‌های اخلاقی و تجربه‌های واقعی می‌تواند در این مسیر موثر باشد. من مسئله را اینطور صورت‌بندی می‌کنم: قرار نیست نوجوان را از زبان خودش دور

فراهم می‌کند؟ آیا دانش‌آموز فقط یاد می‌گیرد که بعضی واژه‌ها را در انشا نویسد یا می‌تواند دقیق‌تر، روشن‌تر و متناسب با هدفش کلمات را انتخاب کند و بنویسد؟ این دو یکی نیستند. ممکن است دانش‌آموز بداند «تاکسیک» در یک متن رسمی انتخاب مناسبی نیست، اما هنوز نتواند بسته به منظورش از میان واژه‌هایی مانند «آسپب‌زا»، «ناسالام»، «فرساینده» یا «آزاردهنده» انتخاب دقیقی داشته باشد و این تشخیص مهم‌تر است. بنابراین، من مسئله را فقط ورود واژه‌های فضای مجازی به زبان فارسی نمی‌بینم. مسئله این است که چگونه دایره واژگان و توانایی انتخاب زبانی نوجوان را گسترش دهیم. به‌جای آنکه فقط بگوییم «این کلمه را ننویس»، می‌توانیم از او بخواهیم برای یک مفهوم، چند صورت زبانی پیدا کند و توضیح دهد که هر کدام در چه موقعیتی مناسب‌تر است. هدف آموزش زبان معیار نباید حذف زبان روزمره نوجوان باشد. باید این‌باشد که نوجوان بتواند برای موقعیت‌های گوناگون، انتخاب‌های زبانی بیشتری داشته باشد. این یعنی افزودن توانایی، نه تحقیر یا کنار گذاشتن زبانی که نوجوان با آن زندگی می‌کند.

فراهم می‌کند؟ آیا دانش‌آموز فقط یاد می‌گیرد که بعضی واژه‌ها را در انشا نویسد یا می‌تواند دقیق‌تر، روشن‌تر و متناسب با هدفش کلمات را انتخاب کند و بنویسد؟ این دو یکی نیستند.

فراهم می‌کند؟ آیا دانش‌آموز فقط یاد می‌گیرد که بعضی واژه‌ها را در انشا نویسد یا می‌تواند دقیق‌تر، روشن‌تر و متناسب با هدفش کلمات را انتخاب کند و بنویسد؟ این دو یکی نیستند.

■ **کلمات پرکاربرد نسل جدید که عمدتا از میم‌ها، بازی‌ها یا اختصارات اینترنتی می‌آیند، آیا توانایی آنها در ابراز حالات عاطفی پیچیده و عمیق را محدود کرده یا برعکس، مجراهای بیانی کوتاه‌تر و کارآمدتری برایشان ساخته است؟**
من این دوگانه را چندان دقیق نمی‌دانم. اینکه واژه‌های رایج فضای مجازی را عامل محدود شدن بیان عاطفی نوجوان بدانیم، به همان اندازه ساده‌سازی است که تصور کنیم این واژه‌ها همیشه بیان احساسات را آسان‌تر و عمیق‌تر می‌کنند.

زهرا بدرفاکن، خبرنگار گروه فرهنگ؛ گسترش روزافزون زیست بوم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، تحولات شگرفی را در ساختارهای ارتباطی نسل نو رقم زده است. زبان نوجوانان به عنوان یکی از پویاترین پدیده‌های جامعه‌شناختی، پیوسته از میم‌ها، بازی‌های ویدئویی و خرده‌فرهنگ‌های اینترنتی وام می‌گیرد؛ پدیده‌ای که در محافل دانشگاهی و آموزشی، نگرانی‌هایی پیرامون فرسایش زبان معیار و افت مهارت‌های نوشتاری پدید آورده است. با این حال، زبان‌شناسان معاصر بر این باورند که تمایز میان گونه‌های زبانی رسمی و غیررسمی، نه نشانه‌ای از زوال زبان، بلکه بازتابی از هویت‌یابی، تمایز نسلی و ساخت احساس تعلق گروهی است. از این رو، نظام آموزشی با چالش بازتعریف آموزش زبان فراتر از خط‌قرم‌های سنتی روبه‌رو است.

در رابطه با همین موضوع با مهسا قربانی، پژوهشگر حوزه نوجوان و طراح آموزشی به گفت‌وگو نشسته‌ایم. او در این بخش از گفت‌وگو، با رد فرضیه زوال زبان معیار در میان نوجوانان، بر آگاهی آنان از بافت‌های مختلف ارتباطی تاکید می‌کند. او هدف آموزش را نه حذف زبان روزمره، بلکه گسترش دایره واژگان و قدرت انتخاب کلمات متناسب با موقعیت می‌داند. قربانی همچنین کارکرد ادبیات اینترنتی را در خلق هویت جمعی و بیان احساسات بررسی کرده و ضمن اشاره به خطرات طرد اجتماعی ناشی از اصطلاحات تخصصی، رسالت مدرسه را پذیرش تفاوت‌ها و ارتقای سواد عاطفی عنوان می‌کند. بخش نخست از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ **در فعالیت‌های نوشتاری مثل انشا، مقاله‌نویسی یا پاسخ به پرسش‌های امتحانی، زبان زیست‌بوم مجازی چقدر متن رسمی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده است؟ آیا نوجوانان امروز متوجه مرز میان نوشتن معیار و تکلم غیررسمی هستند؟**

من فکر می‌کنم در پاسخ به این سوال، باید از تصور رایج فاصله بگیریم؛ اینکه چون نوجوانان در فضای مجازی از واژه‌ها، عبارت‌ها و ساختارهای غیررسمی استفاده می‌کنند، پس الزاما توانایی نوشتن به زبان معیار را از دست داده‌اند. تجربه من در کار با نوجوانان و همچنین گفت‌وگو با همکارانم از کلاس درس نشان می‌دهد که مسئله به این سادگی نیست. معمولا نوجوانان در گفت‌وگوهای روزمره از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که از فضای مجازی آمده است، اما وقتی از آنها می‌خواهیم انشا بنویسند، معمولا می‌دانند که این واژه‌ها در آن بافت نوشتاری جای نمی‌گیرند. گاهی حتی اگر معادل مناسب واژه‌ای را ندانند، از معلم می‌پرسند یا تلاش می‌کنند عبارت دیگری پیدا کنند. این مشاهده به ما یادآوری می‌کند که میان استفاده از زبان غیررسمی و ناتوانی در تشخیص موقعیت مناسب برای استفاده از آن تفاوت وجود دارد.

البته که میزان تسلط بر زبان معیار، توانایی نوشتن و شناخت تفاوت میان موقعیت‌های ارتباطی در نوجوانان یکسان نیست. برخی به‌خوبی میان گفت‌وگوی دوستانه، پیام مجازی، پاسخ امتحانی و نوشتار تحلیلی جابه‌جا می‌شوند و برخی دیگر برای این جابه‌جایی به آموزش و تمرین بیشتری نیاز دارند. در پژوهش‌های زبان‌شناختی نیز تمایزی با عنوان «گونه یا بافت زبانی» مطرح است. یعنی زبان ما متناسب با مخاطب، هدف و موقعیت ارتباطی تغییر می‌کند و معمولا نوجوان متوجه این بافت می‌شود. در نگارش رسمی و انجام تکالیفش از اصطلاحات زبان مجازی استفاده نمی‌کند و این خیلی امیدوارکننده است.

از نظر من، پرسش مهم‌تر این است که آیا مدرسه فرصت کافی برای پرورش این توانایی

فرآیند اجتماعی شدن نسل نو و چگونگی نقش آفرینی آنان در

جامعه، پیوندی بنیادین و ناگسستنی با مقوله «زبان» دارد؛ بسترى که کلمات، مفاهیم و چارچوب‌های فکری این نسل را شکل می‌دهد. در روزگاری که رسانه‌های نوین، بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن‌ها، انیمه‌ها و موسیقی‌های نو ظهور زیست‌بوم‌های متکثری پدید آورده‌اند، زبان این محیط‌ها به‌مرور به زیست‌روزمره نوجوانان نفوذ کرده و منظومه‌ای پیچیده از خرده‌گفت‌مان‌ها را رقم زده است. در این میان، مواجهه با این پدیده نیازمند درکی واقع‌بینانه و پژوهش‌های عمیق میدانی به‌جای برخورد‌های تند و سلیبی است.

مهدی صالحی، مدیرعامل انجمن ویرایش و کتشر زبان فارسی در این گفت‌وگو به آسیب‌شناسی نسبت زبان و هویت پرداخته است. او با تبیین تمایز بخشی‌های کلّامی در جهان بازی‌ها و پلتفرم‌ها هشدار می‌دهد که بحران اصلی، آموختن واژگان تازه نیست؛ بلکه گسست از زبان مادری، بیگانگی با میراث فرهنگی و از دست رفتن پشتوانه‌های شناختی و اخلاقی جامعه خواهد بود.

ضرورت بازنگری در زبان تربیت اجتماعی

صالحی در ابتدای سخنان خود با اشاره به مفاهیم پایه علوم اجتماعی اظهار کرد؛ یکی از موضوعاتی که در حوزه علوم اجتماعی پیرامون آن بحث و بررسی صورت می‌گیرد، مقوله «اجتماعی شدن» است. اجتماعی شدن به این معناست که افراد مهیا شوند تا بتوانند در جامعه به ایفای نقش بپردازند؛ بنابراین در این فرآیند، به‌نوعی تربیت اجتماعی مدنظر است.

او با تاکید بر ابزارهای این فرآیند ادامه داد؛ با جرات شاید بتوان گفت مهم‌ترین معمل، بستر و زمینه‌ساز اجتماعی شدن و حتی دقیق‌ترین عنصر و ابزار آن، مقوله زبان است. در واقع پرسش اساسی این است که ما با چه زبانی فرزندانمان را برای نقش آفرینی در جامعه آماده می‌کنیم؟ چه کلماتی را به آنها می‌آموزیم؟ چه واژگانی را به آنان تعلیم می‌دهیم؟ چه مفاهیم و گفت‌مانی را برای آنها تشریح می‌کنیم و آنها چگونه می‌توانند خود را در جامعه توصیف و بازنامی کنند؟

وی فرآیند اجتماعی شدن را چند وجهی خواند و تصریح کرد؛ این فرآیند بسیار دقیق و ظریف است و همه ارکان در آن سهیم هستند، از رسانه‌ها و نهاد آموزش و پرورش گرفته تا خانواده و فضاهایی که فرزندان به‌طور عمومی در آنها حضور پیدا می‌کنند، همگی در این مسیر دخالت دارند.

صالحی همچنین بر ضرورت بازنگری در فرآیند تربیت اجتماعی تاکید کرد و افزود؛ مسئله‌ای که وجود دارد این است که شاید لازم باشد گاهی به عقب بازگردیم و بررسی‌کنیم که اساسا چه عواملی فرزندان ما را اجتماعی می‌کنند و ما برای اینکه این فرآیند بهینه‌تر شود، چه اقداماتی را باید به انجام برسانیم؟ قطعا یکی از اقدامات مهم، بررسی و اصلاح زبان این فرآیند است؛ یعنی باید آن را آسیب‌شناسی و رصد کرده و مدام از آن مراقبت کنیم تا این مسیر فرآیندی بهینه باشد و فرزندانمان رشدی دقیق و کارآمد را تجربه کنند. مهم‌تر از همه این است که فرزندان ما بتوانند در جامعه حضوری موثر، راهگشا و اثربخش داشته باشند و ما نیز کمبود‌ها را شناسایی کنیم و در پی برطرف ساختن آنها باشیم.

زبان بازی‌ها و رسانه‌های نوین به زیست عمومی نشئت می‌کند

این مدرس و ویرایش و درست‌نویسی با اشاره به نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به گفت‌مان نسل نو گفت؛ در این میان، رسانه‌ها بخش‌هایی از مسیرهای اجتماعی شدن را پیش می‌برند. هنگامی که از رسانه یاد می‌کنیم، این مفهوم همه رسانه‌های داخلی و خارجی را شامل می‌شود؛ رسانه‌های خارجی با زبان و ادبیات ویژه خود این فرآیند را هدایت می‌کنند. به عنوان نمونه، بازی‌های رایانه‌ای زبان و گفت‌مان خاص خود را دارند و اگر بنا باشد کسی در جهان بازی حضور پیدا کند، ناگزیر است از آن زبان تبعیت کند یا دست‌کم این زبان را بشناسد و سپس برکاربرد آن مسلط شود. بدیهی است هراندازه فرد بخواهد در این جهان رشد کند، ناچار است بیشتر

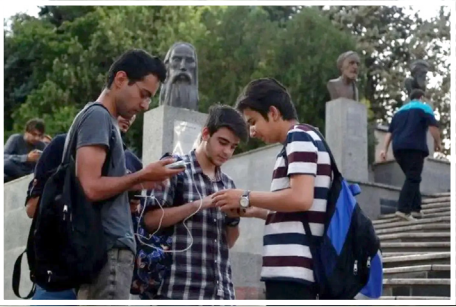
از این زبان بهره بگیرد. او در ادامه خاطرنشان کرد؛ رفته‌رفته همین زبانی که در دنیای بازی‌ها شکل می‌گیرد، به بخش‌های دیگر رایاسپهر یا فضای

بنیان‌گذار موسسه ویراستاران و کنشگر زبان فارسی در گفت‌وگو با «آگاه» مطرح کرد زبان؛ مهم‌ترین بستر اجتماعی شدن نسل نو

مجازی و سپس به زندگی عمومی نشئت پیدا می‌کند؛ تا جایی که مشاهده می‌کنیم فرد در زندگی عادی و روزمره خود نیز دقیقا از همین زبان استفاده می‌کند. افزون بر این، با زبانی روبه‌رو هستیم که پچه‌ها تحت تأثیر آموزش زبان‌های بیگانه از آن استفاده می‌کنند یا زبانی که متاثر از تماشای فیلم‌ها، کارتون‌ها و انیمیشن‌ها به‌کار گرفته می‌شود. صالحی به گستره وسیع رسانه‌های تصویری و صوتی اشاره کرد و یادآور شد؛ امروزه پدیده‌های نظیر انیمه و مانگا نیز جزو رسانه‌های در دسترس نوجوانان و جوانان به شمار می‌روند و این تولیدات نیز زبان خاص خود را دارند. علاوه بر این، فضای موسیقی‌هایی که کودکان، نوجوانان و جوانان مصرف می‌کنند نیز زبان و ویژگی‌های زبانی ویژه‌ای دارد. بر این اساس، مشاهده می‌شود که ما تنها با یک زبان یا دو زبان روبه‌رو نیستیم و مسئله، یک یا دو گفت‌مان نیست؛ بلکه با منظومه‌ای گسترده مواجه‌ایم که هریک از جوانان و نوجوانان ما ممکن است در گوشه‌ای از این منظومه سکونت داشته باشند و به‌سایمان این بخش‌ها جابه‌جا شوند. خود این سکونت و جابه‌جایی، مسائل، اقتضات و فهم خاص خود را می‌طلبد و تمامی این پدیده‌ها نیازمند مطالعه و بررسی عمیق است.

برخورد تند و سلیبی با زیست‌بوم نوجوانان نتیجه‌بخش نیست

مدیرعامل انجمن ویرایش درباره نحوه مواجهه با این فضا متذکر شد؛ اگر قرار باشد در برابر همه این تحولات واکنش سلیبی و تند نشان دهیم، قطعا به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید، زیرا نوجوانان در حقیقت ساکنان آن فضا و دنیا هستند. در زیست‌بومی متفاوت زندگی می‌کنند و دنیای جدید نیز مسائل را به‌گونه‌ای به پیش می‌برد که این افراد درآینده احساس نیازی به زیست‌بوم‌های دیگر پیدا نکنند؛ یعنی بتوانند در همین زیست‌بوم به حیات خود ادامه دهند، شغل داشته باشند، نقش آفرینی کنند و از نظر زبانی و فرهنگی نسبت به دیگر زیست‌بوم‌ها بی‌نیاز شوند. وی اضافه کرد، خواه ناخواه، این نسل از زبانی بهره می‌برند که ممکن است بر تعاملات آنها با دیگران اثر گذارد و در مرادوات، به‌ویژه در عرصه اجتماعی، دردسرها و چالش‌هایی ایجاد کند؛ امری که ضرورت دارد به‌درستی





۷۹.۴ درصد مسافران به دلیل گرانی بلیت ازسفرهوایی صرف نظرکرده اند

بلیت هواپیما؛ چهار برابر قطار

ادامه گران سازی حمل ونقل هوایی درمقایسه با حمل ونقل زمینی، به جای رونق بازارو بهبود بهره‌وری، احتمال کاهش بیشترمسافران، انتقال مستقیم افزایش هزینه‌ها به مسافرو شکل گیری انحصاردر بازارو کوچک‌ترافزایش می دهد.

کاهش پروازچه پیامدهایی دارد؟

پیامدهای کوچک شدن بازار حمل ونقل هوایی فقط به صنعت هواپیمایی محدود نمی شود. پیامدهای مختلفی برای این روند وجود دارد.

کاهش دسترسی به سفرهوایی: حتی در شهرهایی که فرودگاه دارند، نبود پرواز در روزو ساعت مورد نیاز مسافرا یلغوهای متعدد می تواند دسترسی عملی به حمل ونقل هوایی را محدود کند.

زیان فرودگاه‌ها: واگذاری اماکن و غرفه ها یکی از منابع اصلی درآمد فرودگاه ها برای تامین هزینه های اداره آنهاست. کاهش تعداد مسافران می تواند این درآمد را کاهش دهد.

فشار بیشتر بر حمل ونقل جاده ای و ریلی: کاهش سهم سفرهای هوایی، تقاضا برای حمل ونقل زمینی و خودروهای شخصی را افزایش می دهد. این در حالی است که حمل ونقل جاده ای با کمبود و فرسودگی اتوبوس، تلفات انسانی، مصرف بالای سوخت و هزینه پارانه سوخت و واردات بنزین مواجه است.

حمل ونقل ریلی نیز در برخی محورها محدودیت زیرساختی دارد که به کمپای بلیت قطار، تاخیرهای طولانی قطارهای مسافری و توقف بخشی از حمل ونقل بار به دلیل اختصاص ظرفیت به مسافران منجر شده است.

کاهش درآمد گردشگری: دسترسی مردم به پروازها بر درآمد گردشگری شهرها تاثیر دارد. کاهش تعداد پروازها و افزایش احتمال لغو آنها، سرمایه گذاری و بازاریابی برای جذب گردشگر در مقاصد جدید را دشوارتر می کند.

راهکار پیشنهادی چیست؟

مرکز پژوهش های مجلس برای خروج از وضعیت کنونی، سه پیشنهاد اصلی مطرح کرده است.

نخست، وزارت راه و شهرسازی با بررسی خسارت های ناشی از لوکس تلفی کردن حمل ونقل هوایی و افزایش فاصله قیمت سفر هوایی و زمینی، سیاست های حمایتی و یارانه های حمل ونقل هوایی را در مصوبات هیات دولت و لوایح بودجه سالانه، متناسب با یارانه های حمل ونقل زمینی اصلاح کند.

دوم، بسته ای سیاستی برای متنوع سازی و توسعه بازار حمل ونقل هوایی طراحی و اجرا شود. حمایت از شکل گیری شرکت های هواپیمایی کم هزینه، تشکیل بانک قطعه، ضابطه گذاری برای تنوع واردات و به کارگیری انواع هواپیما، ارائه تخفیف های فرودگاهی و پرداخت یارانه مستقیم به برخی مسیرها از جمله راهکارهای پیشنهادی است. همچنین، اجرای طرح تعهد خدمات عمومی با هدف توسعه اقتصاد مناطق دور از مرکز، از جمله چابهار، به مجلس توصیه شده است.

سوم، وزارت راه و شهرسازی با همکاری سازمان برنامه و بودجه، بر اساس مجموع هزینه ها و دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، سهم بهینه شیوه های مختلف حمل ونقل مسافری و باری را تعیین کند. این هدفگذاری باید همراه با برنامه ای زمان بندی شده برای دستیابی به آن، از طریق اصلاح سیاست های حمایتی و نظارتی دولت در قالب لایحه اصلاح قانون توسعه حمل ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت به مجلس ارائه شود.

مسئله فقط گران بودن هواپیما نیست

گران بودن بلیت هواپیما، در کنار پایین بودن قدرت خرید مردم، زمانی به مانعی جدی برای سفر هوایی تبدیل می شود که اختلاف قیمت آن با سفر زمینی آن قدر زیاد باشد که صرفه جویی در زمان سفر نتواند هزینه مالی بیشتر را جبران کند.

کم بودن قدرت خرید مردم، ارزش زمانی سفر و هزینه بالاتر حمل ونقل هوایی، به تنهایی توضیح دهنده کاهش تقاضای سفر هوایی نیستند. عامل اصلی، اختلاف قیمت سفر هوایی و زمینی است اختلافی که با کاهش حمایت های دولتی از هواپیما و تداوم حمایت ها از حمل ونقل زمینی تشدید شده است. بر همین اساس، حمل ونقل هوایی ذاتا شیوه ای لوکس و مختص اقشار مرفه نیست و سیاستگذاری مبتنی بر چنین تصویری، می تواند بازار پرواز را کوچک تر کند. دسترسی شهرها به پرواز را کاهش دهد و پیامدهای برای گردشگری، توسعه متوازن کشور و رفاه عمومی به همراه داشته باشد.

جدول ۲. مقایسه متوسط نرخ فروش بلیت و نرخ واقعی آن در حمل ونقل هوایی و ریلی (بر حسب ریال)					
متوسط هزینه سفر هوایی با کلاس اکونومی [۶]			متوسط هزینه سفر ریلی با واکن چهارستاره چهارخته [۱۵]		
شرح هزینه	پرداختی مسافر		شرح هزینه	پرداختی مسافر	
	مبلغ	درصد		مبلغ	درصد
سوخت هواپیما	۴,۹۴۸,۳۹۴	۱۳/۳	سوخت لوکوموتیوها	۲۲۷,۶۴۱	۲/۴
کادر پرواز	۱,۹۶۳,۰۵۸	۵/۳	ماموران قطار	۹۳۹,۴۶۶	۱۰/۰
تعمیر و نگهداری هواپیما	۱۱,۶۸۸,۲۳۳	۳۱/۵	تعمیر و نگهداری واکن	۱,۰۱۶,۷۶۹	۱۰/۸
خدمات زمینی	۱,۹۷۹,۳۶۶	۵/۳	خدمات ایستگاهی	۲۳۹,۷۰۰	۲/۵
خدمات ناوبری	۱,۶۰۴,۲۰۰	۴/۳	پشتیبانی و راهبری	۲۵۷,۵۸۱	۳/۰
خدمات مسافری	۱,۹۶۵,۹۲۵	۵/۳	کنج پذیرایی	۱,۲۱۰,۴۲۶	۱۰/۳
بیمه	۹۱۰,۴۰۰	۲/۵	بیمه	۵۴۱۱	۰/۱
نرم افزارهای عملیاتی	۳۵۸,۶۴۸	۱/۰	هزینه آگاس و رزرو	۱۵۵,۱۷۶	۵/۹
هزینه های بالاسری	۴,۶۶۰,۶۴۵	۱۴/۵	هزینه های بالاسری	۲,۹۷۷,۸۸۷	۳۱/۷
استهلاک هواپیما	۹۵۴,۶۱۴	۲/۶	استهلاک واکن	۲۴۴,۷۷۸	۲/۶
امتیت پرواز	۳۳۹,۳۶۴	۰/۶	اجاره لوکوموتیو	۱,۰۳۴,۸۴۵	۱۱/۰
سود ایرلاین	۲,۰۵۰,۵۰۰	۵/۵	سود شرکت مسافری	۶۹۳,۸۲۰	۷/۴
۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده و ۱۰ درصد عوارض	۳,۷۶۴,۰۲۳	۱۰/۱	مالیات بر ارزش افزوده و عوارض	۰	۰
عوارض فرودگاهی	۷۰,۰۰۰	۰/۲	حق دسترسی	۰	۰
مجموع	۳۷,۱۵۷,۴۳۰	۱۰۰	مجموع	۹,۴۰۰,۰۰۰	۱۰۰
نرخ فروش بلیت (جمع پرداختی مسافر)	۳۷,۱۵۷,۴۳۰		نرخ فروش بلیت (جمع پرداختی مسافر)	۹,۴۰۰,۰۰۰	
نرخ واقعی بلیت (جمع هزینه با حذف یارانه/تخفیفات/معافیت)	۵۳,۲۸۲,۸۳۵		نرخ واقعی بلیت (جمع هزینه با حذف یارانه/تخفیفات/معافیت)	۲۷,۱۵۷,۷۸۳	

کمتر از یک درصد مسافران بین شهری کشور با هواپیما سفر می کنند. این در حالی است که گران بودن بلیت هواپیما، مهم ترین دلیل مسافران برای انتخاب نکردن این شیوه سفر عنوان شده است. بررسی هزینه های واقعی سفر نشان می دهد فاصله هزینه سفر هوایی و ریلی در ایران حدود دو برابر است، اما تفاوت در نحوه حمایت های دولتی، یارانه ها و تخفیف ها، فاصله قیمت بلیت این دو شیوه حمل ونقل را به بیش از چهار برابر رسانده است.

به گزارش «آگاه»، مقایسه نرخ بلیت هواپیما و قطار در کشورهای اتحادیه اروپا و ترکیه نشان می دهد که بلیت هواپیما به طور متوسط یک و نیم تا دو برابر بلیت قطار قیمت دارد. در کشورهای ایتالیا، اسپانیا، آلمان و فرانسه نیز نسبت متوسط نرخ بلیت هواپیما به قطار کمتر از ۱.۸ برابر گزارش شده است. محاسبات مسیر تهران، مشهد نشان می دهد هزینه واقعی سفر هوایی یک مسافر حدود دو برابر سفر ریلی است نسبتی که با وضعیت ترکیه و کشورهای اروپایی قابل مقایسه است.

برای این محاسبه، مسیر تهران، مشهد انتخاب شده است زیرا مسافت آن تقریباً در حد متوسط مسیرهای هوایی و ریلی غیر حومه ای کشور قرار دارد. در این محاسبه، بلیت پرواز در کلاس اکونومی با سفر ریلی در واکن چهارستاره چهارخته مقایسه شده است. متوسط نرخ فروش بلیت هواپیما ۳۷.۷ میلیون و ۱۵۷ هزار و ۴۳۰ ریال، معادل حدود سه میلیون و ۷۱۶ هزار تومان، بوده است. در مقابل، متوسط نرخ فروش بلیت قطار چهارستاره چهارخته ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال، معادل ۹۴۰ هزار تومان، محاسبه شده است. اما نرخ فروش بلیت، تمام هزینه واقعی سفر نیست. بخشی از هزینه ها را دولت از طریق یارانه، تخفیف و معافیت تامین می کند.

در سفر هوایی، هزینه واقعی سفر یک مسافر ۵۳ میلیون و ۷۸۲ هزار و ۸۳۵ ریال، معادل حدود پنج میلیون و ۳۷۸ هزار تومان، برآورد شده است. از این میان، ۳۷.۷ میلیون و ۱۵۷ هزار و ۴۳۰ ریال را مسافری می پردازد و ۱۶ میلیون و ۱۲۵ هزار و ۴۰۵ ریال از طریق یارانه، تخفیف و معافیت دولتی تامین می شود. در سفر ریلی، هزینه واقعی سفر ۲۷ میلیون و ۱۵۷ هزار و ۷۸۳ ریال، معادل حدود دو میلیون و ۷۱۶ هزار تومان، محاسبه شده است. مسافر ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال می پردازد و ۱۷ میلیون و ۷۵۷ هزار و ۷۸۳ ریال باقی مانده را دولت از طریق حمایت ها و تخفیف ها جبران می کند.

به بیان دیگر، مسافر قطار چهارستاره حدود ۳۰ درصد هزینه واقعی سفر خود را می پردازد و نزدیک به ۷۰ درصد آن از سوی دولت تامین می شود. در حمل ونقل هوایی، این نسبت تقریباً برعکس است؛ مسافر پرواز اکونومی حدود ۷۰ درصد هزینه واقعی سفر را پرداخت می کند و حدود ۳۰ درصد آن را دولت تامین می کند. این مقایسه نشان می دهد، هزینه واقعی سفر هوایی حدود دو برابر سفر ریلی است، اما مسافر برای خرید بلیت هواپیما بیش از چهار برابر بلیت قطار هزینه می کند.

چرا حمایت از حمل ونقل زمینی بیشتر است؟

در سال های اخیر، حمایت های دولتی از حمل ونقل هوایی کاهش یافته، در حالی که حمایت از حمل ونقل زمینی ادامه داشته است. مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی، تفاوت در مالیات، یارانه سوخت، تخفیف خدمات و نحوه تعیین نرخ بلیت را از نمونه های این سیاستگذاری متفاوت معرفی می کند.

بر اساس جزیء ۱۳ بند ۱ ماده ۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰، خدمات حمل ونقل جاده ای، ریلی و دریایی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند اما خدمات حمل ونقل هوایی مشمول این مالیات می شوند.

در بخش سوخت نیز تفاوت وجود دارد. سوخت حمل ونقل زمینی، شامل بنزین و گازوئیل، با نرخی کمتر از پنج درصد قیمت پالایشگاه عرضه می شود در حالی که طبق قانون بودجه سال ۱۴۰۴، سوخت هواپیما با نرخ ۳۰ درصد قیمت پالایشگاه عرضه شده است. دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ پیشنهاد افزایش مجدد نرخ سوخت هواپیما به ۶۰ درصد قیمت پالایشگاه را مطرح کرد، اما این پیشنهاد به تصویب مجلس نرسید. با این حال، آزادسازی کامل نرخ سوخت هواپیما و عرضه آن به قیمت پالایشگاه همچنان در دستور کار دولت قرار دارد در حالی که برنامه مشابهی برای سوخت حمل ونقل زمینی دنبال نمی شود.

دولت در سال ۱۴۰۳ برنامه حذف کامل یارانه سوخت هواپیما تا سال ۱۴۰۶ را تصویب کرد. مرحله نخست این برنامه در قانون بودجه سال ۱۴۰۴، با حذف ۳۰ درصد یارانه سوخت هواپیما، اجرا شد. مرحله دوم نیز در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ پیشنهاد شد، اما به تصویب مجلس نرسید.

در بخش دیگری از حمایت ها، بند ۱ ماده ۱۶۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۸۹، لغو تخفیف های تکلیفی و معافیت های مرتبط با خدمات ناوبری هوایی، فرودگاهی، نشست و برخاست و سایر خدمات مرتبط با حمل ونقل هوایی را پیش بینی کرد. در ادامه این روند، آزادسازی نرخ بلیت هواپیما پس از فرازو فرودهای متعدد، در سال ۱۴۰۲ و با رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری و همچنین حکم قانون برنامه هفتم پیشرفت محقق شد، بدون آنکه سازوکار نظارتی مناسبی برای نرخ بلیت تعریف شود. در مقابل، حمل ونقل زمینی همچنان از حمایت هایی مانند دریافت نکردن حق دسترسی از حمل ونقل مسافری ریلی، تخفیف در اجاره لوکوموتیو و اعطای لاستیک برخوردار است و نرخ بلیت آن نیز، با وجود آسیب های نرخ گذاری تکلیفی، تحت کنترل دولت باقی مانده است. این تفاوت در حمایت ها، در کنار کاهش یارانه و تخفیف های حمل ونقل هوایی، فاصله قیمت بلیت هواپیما و قطار را افزایش داده است.

آیا مردم اصولاً هواپیما استفاده نمی کنند؟

یکی از تصورات مطرح در سیاستگذاری حمل ونقل این است که استفاده از هواپیما به اقشار محدودی از جامعه اختصاص دارد و تقاضای عمومی برای سفر هوایی پایین است. در حالی که بر اساس پیمایش مرکز افکار سنجی ملت در مهر ۱۴۰۴، ۱۷ درصد شهروندان حداقل یک بار در سال از حمل ونقل هوایی استفاده می کنند. در این پیمایش، حدود ۷۹ درصد شهروندان در دو سال گذشته سفر هوایی نداشته اند، حدود هشت درصد یک سفر و ۱۳ درصد بیش از یک سفر هوایی را تجربه کرده اند. برآورد سهم سالانه استفاده کنندگان از هواپیما بر همین اساس انجام شده است.

محدودیت ناوگان و زیرساخت های هوایی از جمله دلایلی است که برای پایین بودن سهم سفرهای هوایی مطرح می شود. با این حال، ظرفیت عرضه صندلی پروازی در حال حاضر عامل اصلی محدود کننده افزایش تقاضا نیست.

در پیمایش مهر ۱۴۰۴، تنها ۱۱ درصد افرادی که مایل بودند سفر داخلی خود را با هواپیما انجام دهند، پیدا نکردن بلیت را دلیل اصلی انتخاب نکردن این شیوه سفر اعلام کردند در مقابل، ۷۹.۴ درصد افرادی که بلیت را علت اصلی دانستند. همچنین، آمار درگاه های فروش آنلاین بلیت هواپیما نشان می دهد در سه ماه مرداد، شهریور و مهر ۱۴۰۴، در بیش از ۹۰ درصد تالش های خرید، بلیت در دسترس مراجعه کنندگان قرار داشته است. مقایسه تعداد هواپیماهای فعال کشور در سال های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ را سال ۱۳۹۸ نیز نشان می دهد تعداد هواپیماهای فعال در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۰ درصد بیشتر از سال ۱۳۹۸ بوده است در حالی که تعداد مسافران هوایی نسبت به سال ۱۳۹۸ بیش از یک میلیون نفر کاهش یافته است. این افزایش تعداد هواپیماهای فعال در شرایط تحریم و همزمان با برداشته شدن نرخ گذاری تکلیفی بلیت رخ داده است. از نظر زیرساخت فرودگاهی نیز ایران، بر اساس آمار مورد استناد گزارش، از نظر تعداد فرودگاه در رتبه نهم جهان قرار دارد، در حالی که از نظر جمعیت و مساحت به ترتیب رتبه های هفدهم و هجدهم جهان را دارد. این شواهد نشان می دهند محدودیت ظرفیت فرودگاهی و ناوگان، توجیه اصلی برای لوکس تلفی کردن حمل ونقل هوایی نیست.

بررسی روند مسافران پروازهای داخلی در جهان و ایران، تفاوت مسیر دو بازار را نشان می دهد. در دهه گذشته و بدون احتساب سال های همه گیری کرونا، تعداد مسافران پروازهای داخلی جهان به طور متوسط سالانه پنج درصد افزایش یافته است. در ایران، در همین مقایسه، تعداد مسافران پروازهای داخلی به طور متوسط سالانه ۲.۷ درصد کاهش یافته است.

بازار حمل ونقل هوایی ایران، با وجود رشد بازار جهانی، کوچک تر شده و تعداد مسافران آن به سطح پیش از همه گیری کرونا بازنگشته است. با گران تر شدن سفر هوایی نسبت به سفر زمینی، بخشی از مسافران از بازار خارج می شوند. کاهش تعداد مسافران نیز صرفه اقتصادی برقراری پروازها را کاهش می دهد و می تواند به کم شدن تعداد پروازها و محدود شدن دسترسی شهرها منجر شود.

۳۹ درصد جرایم سایبری کشور کلاهبرداری اینترنتی است

رئیس پلیس فتا فراجا با اشاره به اینکه کلاهبرداری اینترنتی بیشترین سهم را از جرایم سایبری کشور به خود اختصاص داده است، گفت: ۳۹ درصد جرایم سایبری مربوط به کلاهبرداری اینترنتی است و وقوع جرایم سایبری در نیمه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۱۳ درصد کاهش داشته است.

سردار وحید مجید در گفت و گو با «ایسنا» با تشریح اولویت جرایم سایبری در کشور اظهار کرد: کلاهبرداری اینترنتی در رتبه نخست جرایم سایبری قرار دارد و پس از آن، برداشت های اینترنتی و دسترسی غیرمجاز به داده ها و مزاحمت های اینترنتی از جمله جرایم پررتکار هستند. وی با اشاره به اقدامات پلیس فتا برای تامین امنیت فضای مجازی در زمان برگزاری کنکور امسال با بیان اینکه امنیت فضای مجازی در زمان برگزاری کنکور پیش از برگزاری آزمون در فضای سایبری مواجه نبودیم، سردار مجید ادامه داد: ادعاهای مطرح شده در برخی سایت ها درباره فروش سوالات، عمدتاً مربوط به سوالات سال های گذشته بود که با هدف کلاهبرداری و جمع آوری اطلاعات هویتی داوطلبان مطرح می شد. وی در ادامه با تأکید بر ضرورت رعایت توصیه های پلیس فتا، از شهروندان خواست نسبت به لینک های آلوده هوشیار باشند و از کلیک کردن روی این لینک ها خودداری کنند.

موتورسواران «جان فدا» به جاده زدند



موزه زمان، به مناسبت فرا رسیدن ولادت با سعادت حضرت زینب (سلام الله علیها) و هفته تربیت بدنی و ورزش میزبان آیین بدرقه رسمی گروه موتورسواران «جان فدا» بود.

به گزارش «آگاه» به نقل از روابط عمومی گروه موزه های دینیه، حمیدرضا سلیمانی، مدیرعامل موسسه فرهنگی موزه های بنیاد مستضعفان در جریان این مراسم و در جمع خبرنگاران و اعضای گروه موتورسواران با اشاره به اهمیت تلفیق فعالیت های فرهنگی، ورزشی و مسئولیت اجتماعی در فضاهای موزه ای اظهار داشت، موحظه تاریخی و زیبای موزه زمان افتخار میزبانی از حرکتی ارزشمند را دارد که علاوه بر پاسداشت مناسبت های فرخنده مذهبی و هفته تربیت بدنی، حامل پیامی مهم در حوزه ترویج فرهنگ ایمنی، قانون مداری و مسئولیت اجتماعی است. موزه ها می امروزه تلاش می کنند فراتر از نمایش آثار، پایگاه هایی برای تعامل با جامعه و جریان سازی های فرهنگی و ورزشی باشند و حضور این موتورسواران مجرب، جلوه ای از پیوند میان نشاط اجتماعی و ارزش های معنوی است.

در این برنامه که با همکاری محمد حسین پورقی، مدیرعامل شرکت سیاحتی بنیاد انجام شد، مدیران ارشد و کارکنان موسسه نیز حضور داشتند و ضمن دیدار و گفت و گو با اعضای گروه، پرچم های ویژه «گروه موزه های دینیه» و پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران روی فرمان موتورسیکلت های این گروه نصب شد. در پایان نیز اعضای گروه موتورسواران جان فدا سفر خود را به سمت پردیس موزه ای رامسر آغاز کردند.

در حاشیه این مراسم، امیر سرتیپ دوم امیر ادیب، رئیس سازمان تربیت بدنی ارتش، در خصوص جزئیات این رویداد گفت: هدف این گروه، ایجاد فرهنگ همدلی است تا نشان دهیم همه با هم با اقتدار و ولایت در کنار نظام جمهوری ایران ایستاده ایم. این گروه هر چند مدت یک بار چنین برنامه هایی را با موتورهای سنگین در مسیرهای بین شهری تدارک می بینند تا نشان دهند فرهنگ راندگی موتورسنگین در جامعه، اتوبان ها با دها به چه صورت است و ثابت کنند که موتورسواری می تواند قانون مند باشد، به کشور و مردم خدمت کند و در هر شرایطی ایمنی را رعایت کنند. سرتیپ دوم ادیب با اشاره به حضور ۱۷ موتورسیکلت سنگین به همراه موتورسوارانی رنده در این برنامه، خاطرنشان کرد: برنامه بعدی گروه موتورسواری جان فدا برای هفته آتی، اجرای برنامه «حرم تا حرم» توسط گروه موتورسواران نظامی این مجموعه خواهد بود که از حرم مطهر امام خمینی (ره) آغاز شده و تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) ادامه می یابد. هدف این برنامه، گرامیداشت یاد و خاطره سیدهد شهید امیر موسوی است که مزار شریف ایشان در شهر قم و در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (س) قرار دارد. این گروه از موتورسواران برنامه حرکت خود را روز پنجشنبه ۲۳ مهر از موزه زمان تهران شروع کرده و به سمت پردیس موزه ای رامسر حرکت کردند و روز جمعه از رامسر به سمت تهران برگشتند.

آغاز فعالیت بخش کودک موزه و کتابخانه ملک

آیین رونمایی از چهار عنوان کتاب کودک و آغاز فعالیت بخش کودک انتشارات ملک، با حضور علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، در کتابخانه موزه ملی ملک با اجرای آیین روزخانه ای توسط کودکان در سالن تختی موزه ملک برگزار شد.

در ادامه امیر خوراکیان، رئیس کتابخانه و موزه ملی ملک، با اشاره به رویکرد جدید این مجموعه در توجه به کودکان و نسل آینده افزود، رونمایی از این چهار کتاب، آغاز فعالیت بخش کودک انتشارات ملک است. رأیآینده نیز برای هر یک از این کتاب ها، نشست تخصصی جداگانه ای با حضور نویسند و تصویرگر برگزار خواهد شد.

در ادامه این مراسم، علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، گفت: همه ما باید در کنار یکدیگر کار فرهنگی کنیم و با هم افزایی، زمینه آشنایی نسل آینده با میراث فرهنگی کشور را فراهم آوریم. باید کودکان را به دیدن این روایت ها دعوت کنیم؛ روایت هایی که کتابخانه و موزه ملی ملک از فرهنگ و تمدن ایران ارائه می دهد. پیوند این روایت ها با کتاب، فرصتی ارزشمند برای آشنایی کودکان با تاریخ و هویت ایرانی فراهم می کند.

در ادامه این آیین، با حضور وزیر آموزش و پرورش، رئیس کتابخانه و موزه ملی ملک و کودکان حاضر در مراسم، از چهار عنوان کتاب کودک رونمایی شد. این کتاب ها عبارت اند از: دیوار ماچرا، نوشته نیلوفر نیک بنیاد با تصویرگری عاطفه فتوحی؛ قلمدان عجیب، نوشته سیده سمیه سیدیان با تصویرگری ویدا کریمی؛ پهلوانان نمی میرند، نوشته همینه حدادی با تصویرگری عاطفه ملکی جو و کارآگاه نیمو و سکه گمشده، نوشته سیده نیکرو با تصویرگری ناهید زمانی.



کاغذی

کمک‌هزینه برای بررسی کتاب

گاهی یک کتاب خارجی فقط به این دلیل ترجمه نمی‌شود که ناشر نمی‌تواند آن را بخواند و بفهمد ارزش انتشار دارد. فلاند برای اینکه کتاب‌هایش پشت سد زبان نمانند، راه جالبی پیدا کرده است، مرکز ترویج ادبیات فلاند (FLI) به ناشران خارجی کمک‌هزینه می‌دهد تا پیش از خرید حق ترجمه، کتاب‌هایش را بررسی کنند. ناشر می‌تواند بررسی کتاب را به یک کارشناس بسپارد و برای هر گزارش تا ۱۰۰ یورو (۳۰ میلیون تومان) حمایت بگیرد. اگر کارشناس مناسبی نشناسد، خود FLI برای پیدا کردن‌ش کمک می‌کند. حتی می‌توان برای یک کتاب چند گزارش مستقل سفارش داد. درخواست‌ها در تمام سال پذیرفته می‌شوند و معمولا ظرف یک ماه بررسی خواهند شد. کمک‌هزینه پس از تحویل گزارش پرداخت می‌شود و تمام آن به تهیه‌کننده گزارش تعلق دارد.

فلاند بخشی از هزینه شناخت کتاب‌هایش را می‌پردازد تا شانس انتخاب و ترجمه آنها در کشورهای دیگر بیشتر شود. این حمایت کوچک، سرمایه‌گذاری بزرگی برای معرفی ادبیات فلاند به جهان است.

معرفی هشت ماده خوراکی پاییزی مفید برای سلامت قلب

میوه ها، سبزیجات، غلات کامل و چربی های غیر اشباع موجود در بسیاری از غذاهای اصلی پاییزی در کاهش کلسترول، حمایت از فشار خون سالم و کاهش التهاب نقش دارند.

به گزارش اپیتنگ ول، در ادامه به هشت ماده غذایی پاییزی اشاره می‌شود که مخصوصا برای سلامت قلب مفید هستند و به شما کمک می‌کنند تا وعده‌های غذایی مغذی در تمام فصل داشته باشید.

۱.**سیب**: سیب‌ها چربی بیش از طعم فصلی ارائه می‌دهند؛ آنها سرشار از فیبر محلول و آنتی‌اکسیدان‌هایی هستند که از سطح کلسترول سالم حمایت کرده و از رگ‌های خونی محافظت می‌کنند. محققان می‌گویند: «بسیاری از این فواید در پوست متمرکز شده است، بنابراین لذت بردن از سیب با پوست، بهترین محافظت را برای قلب به همراه دارد.»

۲.**کدو حلوائی**: کدو حلوائی از خوراکی‌های پاییزی پر از مواد مغذی است که از سلامت قلب حمایت می‌کند. آنها فیبر محلول را که به کاهش کلسترول کمک می‌کند، و پتاسیم، ماده معدنی که سدیم را متعادل می‌کند و از فشارخون ثابت حمایت می‌کند، تأمین می‌کند.
۳.**کلم پیچ**: کلم پیچ یکی از مغذی‌ترین سبزیجات برای سلامت قلب است. محققان می‌گویند: «محتوای بالای ویتامین K آن به ممانعت از لخته شدن خون کمک می‌کند و از ساختار رگ‌های خونی حمایت می‌کند. کلم پیچ همچنین سرشار از آنتی‌اکسیدان‌هایی مانند ویتامین C است که از شریان‌ها در برابر استرس اکسیداتیو محافظت می‌کند که عاملی کلیدی در ایجاد بیماری قلبی است.»

۴.**چغندر**: چغندر را رنگ جذابی، درخشندگی بیشتری را به وعده‌های غذایی پاییزی می‌بخشد. به گفته محققان: «آنها سرشار از نیترات‌های غذایی هستند که بدن آنها را به اکسید نیتریک تبدیل می‌کند تا به آرامش رگ‌های خونی، بهبود جریان خون و کاهش فشار خون کمک کند.» چغندر همچنین حاوی آنتی‌اکسیدان، فیبر، فولات و پتاسیم است که همگی از سلامت قلب و عروق حمایت می‌کنند.

۵.**جو دوسر**: جو دوسر یک غذای اصلی پاییزی است که منبع عالی فیبر محلول است که به کاهش کلسترول بد LDL و حمایت از سلامت کلی قلب کمک می‌کند.

۶.**کلم بروکسل**: کلم بروکسل منبع عالی ویتامین C است. ویتامین C آنتی‌اکسیدانی است که از سلامت عروق خونی حمایت می‌کند و به محافظت در برابر استرس اکسیداتیو، عامل بیماری‌های قلبی عروقی کمک می‌کند.

۷.**انار**: انارها با طعم شیرین و ترشی که دارند به وعده‌های غذایی پاییزی و زمستانی رنگ و بو می‌دهند. به گفته متخصصان تغذیه: «انار حاوی آنتی‌اکسیدان‌های منحصر به فردی است که به بهبود جریان خون، حمایت از فشار خون سالم و محافظت در برابر تجمع پلاک کمک می‌کند.»

۸.**گردو**: گردو در پاییز برداشت می‌شود و طعمی غنی و آجیلی به غذاها می‌دهد. متخصصان می‌گویند: «آنها سرشار از امگا ۳ گیاهی هستند، همراه با سایر ترکیباتی که از رگ‌های خونی سالم حمایت می‌کنند.» سعی کنید آنها را در سالاد بریزید، روی بلغور جو دوسر پاشید یا با سیب برای یک میان وعده کلاسیک پاییزی ترکیب کنید.

آب و هوا



پیش بینی جو آرام و پایدار در بیشتر مناطق کشور وقوع رگبار در چند استان

به نقل از سازمان هواشناسی کشور، بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده نگری امروز شبه در شمال غرب کشور افزایش ابرو در کردستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی گاهی رگبار ورعد و برق و وزش باد شدید و در ارتفاعات زاگرس و البرز مرکزی نیز افزایش ابرو رگبار پراکنده پیش بینی می‌شود.

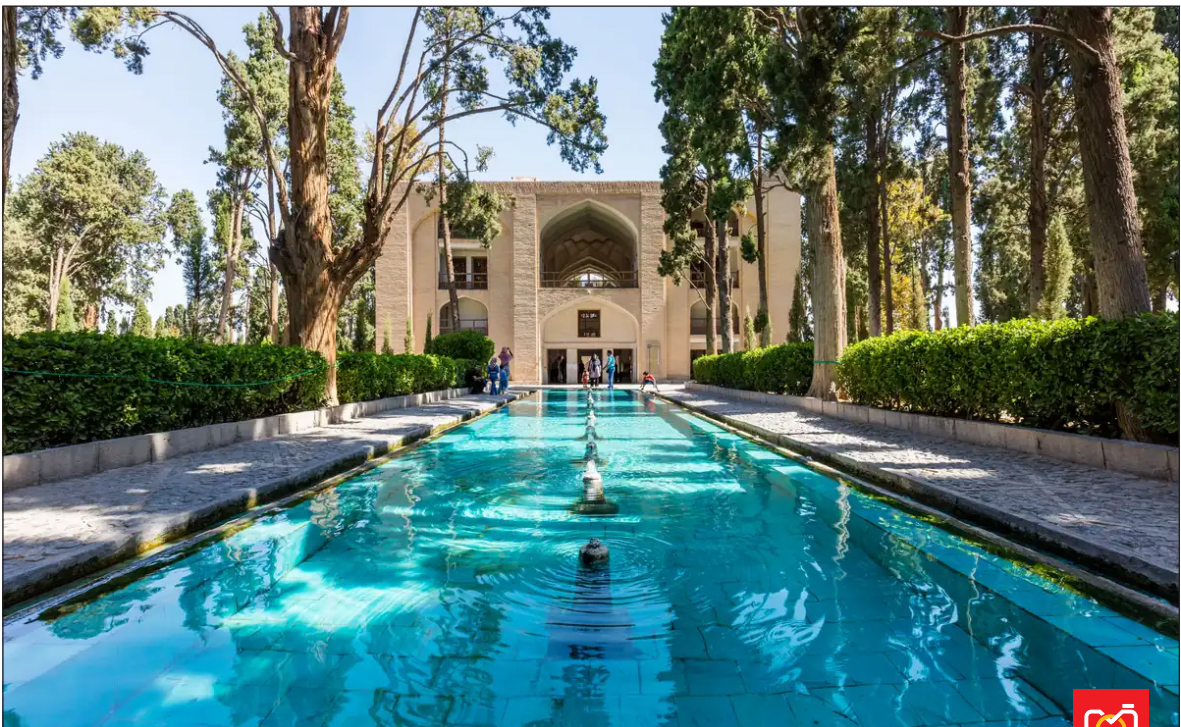
روزیک شبه در شمال فارس، غرب یزد، جنوب کرمان، شرق هرمزگان و در برخی نقاط اصفهان و چهارمحال و بختیاری افزایش ابر، رگبارو رعد و برق، وزش باد شدید همچنین در سواحل دریای خزر و ارتفاعات البرز مرکزی نیز افزایش ابرو رگبار پراکنده رخ می‌دهد.
روزهای دوشنبه و سه شنبه با گذر امواج تراز میانی جو علاوه بر اینکه در دامنه های شرقی زاگرس واقع در استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، غرب یزد، شمال فارس، کرمان، شرق هرمزگان و جنوب سیستان و بلوچستان افزایش ابر، گاهی رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید رخ می‌دهد.

همچنین در پنج روز آینده در مناطق ذکر شده به جز سواحل دریای خزر وزش باد شدید گاهی همراه با خیزش گرد و خاک و کاهش کیفیت هوا پیش بینی می‌شود.

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر **مدیرمسئول:** محمد مهدی رحمتی **سردبیر:** امیر اسماعیلی **دبیر تحریریه:** رضا ظریفی **مدیر داخلی:** عماد خورشیدطلب **دبیران گروه‌ها:** هادی رضایی **سیاست** | **سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه** **مجنتی** مشهدی محمد **فرهنگ**



🌐 www.Agaah.ir	✉ m@agaah.ir	📱 ۰۲۱ – ۹۲۰۰۴۷۱۶	📠 کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۱۳
📍 خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا			
🕒 آذان صبح ۰۴:۴۳	🕒 آذان ظهر ۱۱:۵۱	🕒 آذان مغرب ۱۷:۵۴	🕒 نیمه‌شب شرعی ۲۳:۰۹

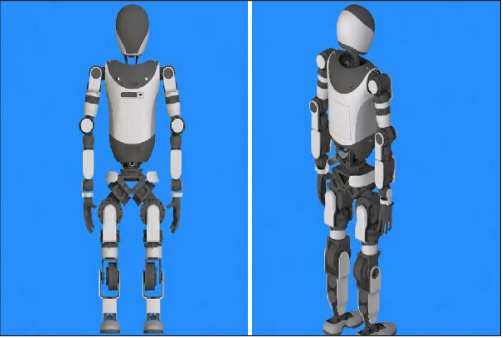


باغ فین کاشان

باغ فین کاشان از آثار ملی و جزو ۹ باغ ایرانی در فهرست میراث جهانی است.
داخل این باغ زیبا و سرسبز دیدنی‌های زیادی مثل خلوت کریمخانی، حوض جوشان، موزه ملی کاشان، شترکلی قاجاری، تقسیم‌گاه آب موجود است.
باغ فین نمونه کاملی از معماری باغ ایرانی است.

عکس:فاطمه رحیموایان / باشگاه خبرنگاران جوان

«بی‌وای دی» ربات انسان نما می‌سازد

«بی‌وای دی» از طراحی نخستین ربات انسان نمای ساخت خود رونمایی کرده است. به نقل از اینترستینگ انجینیرینگ، این اقدام نشان دهنده تلاش گسترده‌تر شرکت چینی بی‌وای دی برای ورود به حوزه هوش مصنوعی تجسم یافته و رباتیک است؛ حوزه‌ای که در آینده می‌تواند به استفاده از ربات‌های خودکار در کارخانه‌ها و نمایندگی‌های فروش این شرکت منجر شود. طرح این ربات در حق اختراعی منتشرشده از سوی اداره ملی مالکیت معنوی چین به نمایش درآمده است. در این سند، ربات قادر به راه رفتن، حفظ تعادل و تعامل با محیط توصیف شده و به کاربردهای احتمالی آن در بخش خدمات، آموزش و محیط‌های صنعتی اشاره شده است. اگرچه این طراحی به ربات انسان نمای «شیائو دی» (Xiao Di) شباهت دارد که بی‌وای دی پیشتر معرفی کرده بود. این شرکت هنوز تأیید نکرده است که طرح ثبت شده به مدل نهایی تولید مربوط می‌شود یا خیر.	ربات جدید بدنه ای با ترکیب رنگ سفید و سیاه، سری گرد و بدون نمایشگر دارد. مفصل های متحرک در قفسه سینه، بازوها و پاها نیز به آن امکان حرکت می دهند. ساختار انسان نمای این ربات نشان می‌دهد که برای فعالیت در محیط های طراحی شده برای انسان در نظر گرفته شده است، نه صرفا فضاهای صنعتی اختصاصی. بر اساس مشخصاتی که پیشتر برای ربات مفهوم شیائو دی اعلام شده بود، این ربات حدود ۵۰۳ فوت (۱۶۲ سانتی متر) ارتفاع و ۵۸ کیلوگرم وزن دارد. همچنین گزارش ها حاکی از آن است که این ربات از ۳۱ درجه آزادی حرکت برخوردار است و می‌تواند حرکات متنوعی را با مفاصل خود انجام دهد. دستان ماهر آن نیز از دقت موقعیتیایی تکرارپذیر در حدود ۰.۰۴ اینچ (یک میلی متر) برخوردارند. این قابلیت ها می‌تواند انجام وظایفی مانند برداشتن و جابه جایی اجسام و اجرای حرکات دقیق را امکان پذیر کنند.	
--	---	--

باورهای غلط درباره «فشار خون» را بشناسید

بنابراین، نبود علائم به معنای طبیعی بودن فشارخون نیست و تشخیص و کنترل منظم آن اهمیت زیادی دارد. وی با تأکید بر اینکه کنترل فشارخون نیازمند صبر و پیگیری درمان است، اظهار کرد: درمان معمولاً با دوز مناسب دارو آغاز و بر اساس وضعیت بیمار و نظر پزشک تنظیم می‌شود؛ از این رو، بیماران نباید بدون مشورت پزشک، دوز دارو را تغییر دهند یا انتظار داشته باشند فشارخون بلافاصله به محدوده طبیعی برسد. این متخصص قلب و عروق همچنین نسبت به مصرف خودسرانه دارو هنگام افزایش فشارخون هشدار داد و تصریح کرد: قرص کاپتوپریل، برخلاف تصور برخی افراد،

مهارت

چگونه داخل فر را با لیموترش تمیز کنیم؟

آسان تر شود.

برای این کار کافی است چند لیمو را برش دهید و داخل یک کاسه آب بگذارید. برای بیشتر شدن تأثیر این محلول، بهتر است که در آب، آب لیمو هم اضافه شود. سپس فر را روشن کنید تا دمای آن به ۲۵۰ درجه فارنهایت، معادل ۱۲۰ درجه سانتی گراد، برسد. سپس کاسه آب و لیمو را داخل فر قرار دهید. فر را به مدت ۳۰ دقیقه روشن نگذارید یا بخار آب و لیمو در فضای داخلی پخش شود. البته دقت کنید اگر چربی‌هایی که به دیواره فر چسبیده‌اند، به زمان بیشتری نیاز دارند. می‌توان مدت بیشتری به این فرآیند اختصاص داد.

پاک کردن چربی‌ها و لکه‌های سوخته فر

پس از اینکه فر کاملاً خنک شد، کافی است یک دستمال تمیز را در محلول آب و لیمو فرو کنید و باقیمانده‌های غذا و لکه‌های سوخته را آن‌گونه نرم شده‌اند، پاک کنید. البته میزان موثر بودن این روش به وضعیت فر شما بستگی دارد و برای فرهای بزرگ‌تر یا فرهایی که مدت زیادی در فضای داخلی پخش شود. البته روش به‌تنهایی کافی نباشد و لازم باشد در کنار آن از سایر روش‌ها یا محصولات مخصوص تمیز کردن فر استفاده شود. گفتنی است تمیز کردن فر با این روش، علاوه بر اینکه روشی ارگانیک و کم‌هزینه برای تمیز کردن فر محسوب می‌شود، یک مزیت دیگر نیز دارد و آن، ایجاد بوی تازه و مرکباتی در فضای آشپزخانه است؛ بنابراین بخار آب و لیمو می‌تواند به عنوان روشی ساده برای آسان‌تر کردن فرآیند تمیز کردن فر مورد استفاده قرار گیرد.



تمیز کردن چربی‌های سرسخت دیواره فر، کاری دشوار و زمان‌بر است؛ اما برای پاک کردن این سطوح، همیشه نیازی به استفاده از مواد شیمیایی تجاری نیست و می‌توان با کم‌ک یک میوه، فر را آسان‌تر تمیز کرد.

تمیز کردن فر با لیمو یکی از حقه‌های تمیزکاری (لایف هک) است که در فضای مجازی پر بازه پد شده. چیزی که در شبکه‌های اجتماعی نشان داده می‌شود این است که چند عدد لیمو را برش زنید و داخل یک کاسه آب قرار دهید و سپس کاسه را داخل فر بگذارید. با گرم کردن فر برای مدتی مشخص، بخار حاصل از آب و لیمو ایجاد می‌شود. پس از خاموش کردن فر، این بخار می‌تواند به نرم شدن چربی‌ها و آلودگی‌های چسبیده به سطوح کمک کند و در نتیجه پاک کردن آنها



شنبه

۲۵ مهر ماه ۱۴۰۵
۶ جمادی الاول ۱۴۴۸
۱۷ اکتبر ۲۰۲۶

آذان صبح	۰۴:۴۳
آذان ظهر	۱۱:۵۱
آذان مغرب	۱۷:۵۴
نیمه‌شب شرعی	۲۳:۰۹



رفیق جان...
تا حالا اگه بگم به تعداد موهای سرم عشق، عاشق و معشوق دیدم، دروغ نگفته‌م...
اما... اگه در همون آشنایی اندک اولیه با طرقت. بیش از همه چیز و همه کس.. حواست رو جمع «امام حسین (ع)» کرد؛ بهش پیسب که از دست ترو... هم دنیا برات می‌مونه و هم آخرت... وگرنه خلاص شو ازش که خیر ناره برات...
تهش هم ول می‌مونه.
کسی که بهش از تو. عاشق امام حسین (ع) باشه؛ بیش از تو (و خودش)، از معشوق «اصلی»‌ش حرف می‌زنه...
یا دست کم، حرارت پنهان درونش. دقیق بعد از دیدار.. ناخودآگاه، درونت رو گرم عشق سیدالشهدا (ع) می‌کنه.

سیدمحمد سادات اخوی / نشرپرنده

تیپ‌های شخصیتی مستعد داشتن «استرس»

به گفته یک روانشناس، استرس به عنوان یک واکنش طبیعی بدن برای بقا شناخته می‌شود، اما زمانی که سرکوب احساسات رخ می‌دهد، فشارهای روانی در لایه های پنهان باقی مانده به مرور به وضعیتی مزمن تبدیل می‌شوند؛ وضعیتی که در آن فرد به جای بروز علائم معمول با خو گرفتن به تنش، تصور می‌کند این فشارها بخشی از ویژگی‌های شخصیتی اوست. عاطفه عربی، روانشناس گفت: استرس یعنی حالت فشاری که ما در بدن، احساسات، افکار و رفتارمان تجربه می‌کنیم که واکنش طبیعی بدن به فشارهای مختلف فیزیکی و روانی است. این فشارها می‌تواند از منابع درون فردی، بین فردی، شغلی، اجتماعی، مالی یا حتی اتفاق‌های روزمره زندگی سرچشمه بگیرد؛ برای مثال، برای خیلی از خانم‌های خانه‌دار ممکن است این دغدغه که «امروز غذا چی درست کنم؟» منبع استرس باشد. وقتی راجع به استرس صحبت می‌کنیم، باید بدانیم که می‌تواند به عنوان یک محرک برای ما عمل کند، بنابراین نباید استرس را مطلقاً «بد» بدانیم. وی ادامه داد: هنگامی که استرس داریم، در بدن ما سیستم سمپاتیک که بخشی از سیستم عصبی خودکار است فعال می‌شود. این بخش مسئول تنظیم واکنش بدن در حالت‌های جنگ، گریز یا فریز (انجماد) است و این کار را با تنظیم ضربان قلب، سرعت تنفس و اندازه هورمک چشم انجام می‌دهد. به زبان ساده، وقتی در معرض استرس قرار می‌گیریم دست به ارزیابی می‌زنیم تا مشخص شود این اتفاق چرا رخ داده، چقدر برای ما تهدیدزا است و چه منابع و توانمندی‌هایی برای گذر از این مرحله داریم. این روانشناس افزود: در این شرایط سه مرحله در بدن اتفاق می‌افتد؛ مرحله اول «آلژ» است که سمپاتیک فعال شده و علائم جسمانی مثل تعریق، تپش قلب، سنگینی سر و سطحی شدن تنفس ظاهر می‌شود نشانه‌هایی که برای هر فرد منحصر به فرد است و همزمان علائم روانشناختی مثل غم یا ترس هم با آن فعال می‌شود.

تفاوت استرس مثبت و منفی و خطر فرسودگی

عربی در خصوص تفاوت استرس مثبت و منفی و خطر فرسودگی ناشی از آن، گفت: استرس‌هایی که در زندگی با آنها مواجه می‌شویم می‌تواند مثبت و منفی باشد. وقتی در معرض آن قرار می‌گیریم، سمپاتیک فعال شده، ضربان قلب بالا می‌رود و کل ارگانیسم بدن برای این پدیده مقاومت می‌کند تا آن را رفع کند. تفاوت استرس حاد و مزمن نیز در همین مدت زمان مشخص می‌شود. اگر مدت طولانی در این مرحله مقاومت به‌مانیم به فرسودگی می‌رسیم. این روانشناس ادامه داد: همچنین استرس می‌تواند مثبت باشد. مثلاً کسی که می‌خواهد ازدواج کند، باهم استرس دارد اما نتیجه‌اش خوب است. در مقابل، وقتی فرد ناچار به اسباب‌کشی به خانه‌ای بسیار کوچک‌تر است یا جدایی را تجربه می‌کند، استرس جنبه منفی به خود می‌گیرد. عربی با تأکید بر اینکه همه این سازوکارها برای ما کارکرده‌ای بقا و رشد دارد، اظهار کرد: اگر نتوانیم از این مرحله به سلامت عبور کنیم و استرس مدیریت استرس را نداشته باشیم، این وضعیت می‌تواند ما را در معرض فروپاشی قرار دهد، چرا که هورمون‌های کورتیزول، آدرنالین و نورآدرنالین به شدت ترشح می‌شوند و عملکرد فرد کاهش پیدا می‌کند، پس لازم است مهارت‌هاییمان را ارتقا دهیم. وی افزود: منابع استرس و استرس ادراک شده هر فرد نیز متفاوت است، به این معنا که استرسی که من در موقعیت امتحان حس می‌کنم تا آنچه فرد دیگری تجربه می‌کند فرق دارد و همین موضوع سبب تفاوت در عملکرد ما می‌شود.

مفهوم استرس پنهان و دلایل بروز خاموش آن

به گفته وی، استرس پنهان زمانی رخ می‌دهد که فرد تحت فشار روانی قرار می‌گیرد، اما به دلیل محرومیت هیجانی، سرکوب، بازداری هیجانی، انکار یا برخورداری از والدینی که حمایت‌گر نبودند و دلبستگی ایمن را شکل نداده‌اند، واکنش‌های معمول و آشکار استرس را نشان نمی‌دهد. چنین فردی بی‌قراری، گرانگی، تحریک پذیری، عصبانیت، کریه، تپش قلب، لرزش، تنش عضلانی یا اختلال خواب و اشتها از خود بروز نمی‌دهد، حتی شاید سردرد، دل درد، خستگی و افت عملکرد را هم نشان ندهد، چرا که آن قدر با این شرایط خو گرفته که فکرمی‌کند این وضعیت مزمن، جزئی از ویژگی‌های شخصیتی اوست و از بیرون یک چهره کاملاً نقاب‌زده و آرام و بی‌هیجان را به نمایش می‌گذارد.

تیپ‌های شخصیتی مستعد استرس پنهان

عربی با برشمردن تیپ‌های شخصیتی آسیب‌پذیر، ادامه داد: افراد کم‌اگرار که ترس مداوم از اشتباه کردن دارند و همواره زیر فشار بی‌تقص بودن هستند، استرس خود را با کنترل گری و تلاش بیشتری پوشانند. دسته دیگر، افراد بیش از حد مسئولیت‌پذیری هستند که مدام درگیر حل مشکلات خود و دیگرانند و اجازه استراحت یا کمک گرفتن به خود نمی‌دهند. همچنین افرادی که سرکوب هیجان را از کودکی یاد گرفته‌اند و دچار بازداری هستند، خشم، ترس و ناراحتی خود را بروز نمی‌دهند و فشار روانی را درونی می‌کنند، در نتیجه ممکن است با کوچک‌ترین جرقه‌ای واکنش نامتناسب نشان دهند. وی اضافه کرد: گروه دیگر افرادی هستند که به استرس و بحران خو گرفته‌اند، درست مانند کسانی که خانه‌شان نزدیک فرودگاه یا راه‌آهن است و به سرو صدا عادت کرده‌اند. برای این افراد، فشار طولانی مدت شبیه یک حالت عادی زندگی شده، هرچند به مرور عملکردهای‌شان افت می‌کند. همچنین افراد کنترل‌گر که تلاش زیادی برای مهار آینده و رفتار دیگران دارند، استرس‌های خود را پنهان و سرکوب می‌کنند. افزون بر این، افراد بسیار پر مشغله با کار و فعالیت مداوم، ذهن‌شان را از احساسات و اضطراب‌ها دور نگه می‌دارند، به ویژه در جامعه مدرنی که پر مشغله بودن به‌معنای موفقیت و کلاس اجتماعی تلقی می‌شود.

تفاوت استرس روزمره با استرس پنهان

این روانشناس خاطرنشان کرد: استرس‌های روزمره معمولاً علت مشخصی دارند، اما در استرس پنهان، فرد آن قدر در مرحله مقاومت مانده و آن را حل نکرده که این وضعیت به امری روزانه و مرکباتی در فضای آشپزخانه است؛ ادراک مستقیم ما از استرس کاهش یافته باشد، اما تجمع فشارهای کوچک روزمره نهایتاً به حجم بالایی از استرس پنهان تبدیل شده است.

